

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی

۱۷۹۹۲

۱۷۹۹۲
۲۰۹۱۵۷

لابتیمه
نوامین
نواقان
باید
نظر
انور
نقد
درساله
کردید
نقد
نظام

کتاب الاغاط
صاحبها
ابن اقبال
الکامل
الکامل



۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: کمالی

مؤلف: محمدصادق مازنی

مترجم: ۱۷۹۹۲

شماره قفسه: ۲۰۹۱۵۷

مهره کتاب: ۲۰۹۱۵۷

مهره کتابخانه: ۱۷۹۹۲

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی
۱۷۹۹۲

۱۷۹۹۲
۲۰۹۱۵۷

بحر الالفاظ
صاحبها
ابن الفاضل
العقابي



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: بحر الالفاظ

مؤلف: محمدصادق باقری

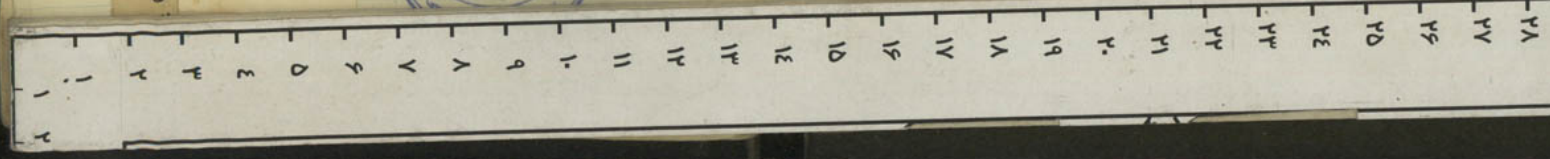
مترجم: _____

شماره قفسه: ۱۷۹۹۲

شماره ثبت کتاب: ۲۰۹۱۵۷

جمهوری اسلامی ایران

عطا بشوید
علازمه
انسان افغان
سبباید
بر حفظ
معارف
بندت
کدرسال
کردید
مختار
شیرازی



اینست کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم

بحر الفاظ

ای نام تو در جمله الفاظ عیان
در جمله الفاظ نام تو خزان
انوار چون صورت هر حرفی
دیدار چون معنی هر لفظی
شرفترین الفاظ لغات و لطیفترین کلمات و نکات ذکر سگلی را رواشکی صمی را
سزاست که بلبلان خوش آرای السنه صفحای دایم شور و طوطیان شکر خای با
بلغای سخن پروردگستان و حدایتش با بر جلاله خوش صادق و مقوم
و در بوستان فر دایتش بدین مقالات دلکش ناطق و منکم اند **مؤلفه**
ای چو جان ذکر صفات اشرف جان **انسان** این جهان را جاودان ذکر صفاتش
جز به توصیف کمال کسی نیاورد سخن جز به تعریف جلال کسی نیاورد دعا
فدایسان عزیز کردن نیت حرف در حدیث خایکما نرا غیر شکوت نیت لفظی زیبا
در کلماتها بحدت طایران هم گفتگو در بابها **تجربت** و حشمت **مؤلفه**
تدریست ستاده دل فدای **حاج**

فیض

فیض بخشان جمله از کان سخاوت فیض بر
می مانان جمله در خزان عطایه میمان
از نطف داده پی و جو از اما مین
از نطف کشتن خود و کلان را مین
نعت عام تو بخت بدینو ایان را
حکمت نام تو باشد تا توانا از توان
هم صبا از نطفه لطفت نماید هر چه
هم هما از سفره جودت باید استقبال
هست انوار تو چون پناه هر حرفی بید
هست اسرار تو چون معنی هر لفظی نشان
اصل وضع و خیر و شر و ناز و نور و کزین
عرف و شرح و وحش و طبع و معارف و صورت
هر یکت بینا و اصلا می بینند نشان
هر یک جو بار و قطعای بخوبی نشان
و درود نام معدود و تجلیات نام محدود و رسولی را شاید و سبندی را باید که رساله
رسالت بنام نامیش ختم پذیر و نامه نبوت از طری اسم سامیش زینت گیر کردید
اعنی رحمت کرد کار و قدرت آفرید کار سر و قز اینبای کبار ابوالقاسم محمد مختار
صلی الله علیه و آله الاطهار الابرار **نظم مؤلفه**
فخر بجزان محمد آنک **فخر** در طفتش کند خلاق **انک** از نور و شرفی را
مید مد آفتاب در مشرق **هم** خلاق و بعد حش نشان **هم** ملائک بخدمتش
بدرد وی کن و آوازه **بجو** روی انصاف **انک** حیران بر درش تمام **غلام**

مکان در برش تمام و شفا قدسیان با الخفی الاعلان حاکمان بالمشور والاشراق
 از پی خادمیش جلالتی از چاکریش جمله قواق بهر اینیاست در اوصاف
 مهر صفیات در احلا شب معراج خوات تا کردی سوی نه طاق چرخ طاق
 بود بر زردان معراجش پله کوفه این بلند رواق جبرئیل آمد و براق آورد
 چه براقی چرب و باوقا شد سوار بر بلی چاکریش آسمان از محترمت طاق
 بخاهش برای استقبالی بر کافش برای استیفاق آدم و فوج و یوشی و ادوی
 صالح و هو و یوسفه ره سپردند گاه کام بکام ایستادند گاه ساق بلساق
 کرد علی نه رواق کرد و زرا بر براق آن کاینه آفاق حق فرستاد هر دو طرف
 خوات کرد پیاوه چون شد شتابان با نوح جبرئیل شد خزانان بان کرد و توانا
 که نبود در آن الخفی که نبود در آن علی الاطلاق غیر او خالق الخالق
 غیر اسرار راز الارزاق کس نه پیدا بود استکشاف کس نکر و با بود استنطاق
 مطلقش را ندید و دید اطاف مشفقش را ندید و دید شفاق خواست از نظر تان از حق
 آنچه را داشتند استحقاق وصولات با برکات و محبتات زاکیات بر آل و عترت
 آن یکانه کاینان و آن خلاصه موجودات که اولاد و احفاد اجدادش هر یک که هر

درج

درج حلم و اختربرج علم اند **توانه** ازان که عرش را بود از فرشتگان ازان که چرخ را
 بود از قدرشان بها هم ماه را زطلعت ایشان بود فرغ هم چرخ را صورتشان
 بود صفا خصوصا افضل اولیا و اهل اوصیا مطلوب هر طالب اسد الله الغالب
 ابو الحسنین علی ابن ابیطالب صلوات الله من الملک الوهاب رحمت الله اعلامهم
 بالشهاب الثاقب **نظم اولی** علی ولی غالب کل غالب وصی نبی نایب کل نایب
 کنان بود بر ترا الهی دل او بود بحر حقایق بحر خدایت حکمت مقادیر
 نامر الهیت امر و طاعت بود کاشف کرم و کیف سرای بود واقف جزو کل ذرات
 تنه ای او قدسیا در صومع رضای او خلیان در حوا خلاق تعریف و در حوا
 ملائک توصیف او براد بی خدمتش انبیا جمله طالب پی حضرتش اوصیا جمله نایب
 صفی را بصیبا چو رود بند نخی را بطوفان چو کردید و نایب ز عصیان راهاندر خود جدا و بند
 ز طوفان جهانند خلد و نایب کلیمش چو بر لطف کردید و نایب خلیش چو بر عطف کردید
 بطور شریک است ارفعا زناش کنشاید و رستار با او چون ستم آمد مزاحم
 بعبود چون خرنه امکا فرج داد آن اورست استیاد فرج داد این را و جت ان
 بیوشن کند کرد در بحر جملک بیوسف نظر کرد در بیوسف رها کرد آن از رخ جمالت

خورد و کلان سینه مانا بر هم تو زبان است امفی شهریار عادل دل ملک اروش شاه
سکندر دستگاه دارا را خد بودیدون فرهنگ خضر جمید اورنگ المودین السماء
المظفر علی الاعداء ملاذ القاصح معاذ الکاظم السلطان بن السلطان و الخاقان بن
الخاقان السلطان فتحلی شاه قاجار از ال ایام جلالت و دولت و شوکت و دار فک الدنیا
خدو بیجا خضر و ریکا پناه شهاب ساهب کردار شه داد کرد اوراد کا
که هفتش لب زلال پروردگار جم محمد فتحلی شاه آن کرامت همانند شاه شهاب
سرا از شاه می که صد اردوا بود در رکاب و عازر دوا سلطانین زبان شاکرینش
حو اقیق زول چاکرینش شهابی که در در پانینا تمام این شه شاه را بنده
بکایک ز شمشیر جاب و پیکار هم خدمتش را کند از آن اگر بود در اوران وی
شدی عبد در بیان در بیان بعدش اگر بود نویسی و نادای بدادش غیر از روال
ز روم در چین بهر باج و خراج دهد به شمشیر سخن و نفوذ بجز علاما اوار و شیر
بود همچو رویاه در زو شیر پزار معان ختمها را نیک فرستد برش با پیشا فرزند
ز عدل و ز دادش بجزویر نظم و ستم نداشتی خبر باوان چو خضر و عیدان چو
شما از شاه و خضر و از احدی براننده مسند خضر وی که کش بود رتبه کسری

بخدمت آن خد بود زما میان جنبه از کفکشان آسمان از و شاد و حرم زمان و زمین
هم آباد و بیغم مکان و ملکین بعدش جهان عالم آباد است که از عدل و دانش بخت و
بشیر زیان بکوک دما بود پیش و آه چکان چکان زمین را ملای زور زنی شیر
ند از کلائی ز کون دلبو کف و تیغ آن خضر رحمت نشان بود در فشان و بود فشانک
چو بر سخن شاه خد شاه تو کوی ملک بزرگ کرده جا چو بدت یکبار کونید
بروی سپهرت عیان به بیدار است آسمان خیمند بهیجا رسد که کشتان کند
نکار و چو ناز و عیدان کنی مکان افندانم بجا کن تکین چو پوشد زره بهر خط بدن
زره چون شود شاه زاکار بود بر تیغ حلقه حلقه زره چون زلفین جانان کرده
بود مکهش بر تند خورش کین هو کین شیر پولاد پوش بیای سمند شمشیر بد سا
سود سهر ستارم زور جد زمان که کرد و سنان در بیان دهد در بیان را سج او را
قرچه داری بود بر دوش عطارد کین منشی و مغزش بقصر کشد زهره چنای
بفرش کند آفتاب خضری غلامیت بگرام در لشکوش بود مغزی قاضی عسکری
چو در بیان در بیان او شد حل ز ستارگان یافت بر تحمل ز شاهان پیشین بود پیشین
ز هر چیز از ایشان بود بیشتر براننده سخن و در بهیم است طرا زنده هفت

از بزه بزه بزاد زیاد و هاب و هاب ایاب جواد اجود واحد حاجب
 حجاب حجاب آحاد دوجا جادو دواج و دواج رواج بدبو داده احباب
پانزده هی هنج هود رهو یاد بیج جیب حبه احدب محمد چی دزد
 حوا آید تاز بوز داور و داد آواز ازار و هاج اهوج حجاج لیم
 جیوه بیاب بیای **شانزده** آیه حجه زوج جزوی بدی زهد زده
 لبط بید های و ط بازو باجی بجا بجای جهاز حبه چه چچه هواد
 بدبان پایاب **هفده** زی خط هجاج حدی حدی ریخ چید و جوب
 لهی زود دوز و زد خزی پیه وای آوی اندی بیدا پیدا ادیب
 بادی بوده زاهد انهد زهاد جوجه بزاز جوا جواز حداد پاید
 باید یابد دیبا زاده آژده اجان بدرد ایجاب اصباح حوج دببده
هجده زبیب طویا بوی بوی بوی بیج همی همی حی هودج حویه
 ججود رایج دید پایر زنده حاده دوح هدهد زواد وازد آزاده
 ازدها بددهوا هوز حبوب آبادی **نوزده** طی طاط طود و طده هدهدج
 زبیب حیا هدی دهی طب حط ببط بین وجود واحد ایوب ایاب
 هجا

بجای باب

هجا هاجی حاجن حجان ایجاد درده یابو لیبود هزاد **بیست** تدوج نمود ریخ چیز
 دیماج بادج هیچ هیچ حتی دین اجان زیبا بیان بازی ابطح بطحا بطاح واهی
 هاری دایه و درو یاده طاحویا وجوه بزوه بزوه بدید جیب بچرا هوام
 اوازه از هوام **بیست یک** طب طب طبه زید زید بزوی زوی زبیب بسبیب
 زورده هزده حدید جاین زبایج دوطی وادی زوجه هدا یا بیدا بدلاوا
بیست دو کب کب کب کب حدی زهی هنری باهو واهی وایه یایه جیب
 ازید زاید زیاد ازید اطیب ایجان حدرد حاجی هبوط بوبید بوبید چین
 بادید بیاده از دواج **بیست سه** چک کچ کچ پاک پاک یکا یوز وزی حیه
 طبیب یابی دینده درجه بوبیر بوبیر بیوه هیوب جوبید جوری و بوط
 دهید آزادی یا حوج **بیست چهار** که دک دکی یوج طوط چاک کاج آکج
 کجا آکج بیجه احوط جاوبد حیوه وجیه هدیبه دودید ذبیب هنروه طباطبا
بیست پنج کده که که لیبود حبن کباب کدا و طی حاوی احوط احوط
 جصین جزیه طبیب هیاط دندی ایدی حیلما نوا یا بیای بیای بیجاده
 دیباجه **بیست شش** ککو کو کو هاگ کاه کاه آک آهک بدک کبد اکلا چاک

اکباب جزوی حدید حوزہ مجتہ زواید بدھیه هویدا زایچه جائزہ زود
 بیوجہ بیجده بیجاب باویدہ **ہفت ہفت** زک کر کن کار کو کہ کہ کہ کہ
 چکد طوط و زید خطے دھیہ آماہ حویج جیدی پایید پایید ہاویید ہاویید
 یازدہ دولذدہ زیادہ از دیار **بیاد بیاد** حک کار زاک زاک کہ کہ
 اکداب کوب و کب پوک بکو دیدی وحید حایط و ترہ جہای زواید زید
 جھویدی حویج بانچہ بازید **ہفت نہ** کاح و حواح کوچ دکہ دکہ بز
 باکو دیدہ زاویہ آویزہ پیچید پاکاہ **اعداد** سبک کی کرد وک وک
 کور ازبک کادہ طایب اکواب بکوب جنگ طیہو جزئی البلی کیانہ پاییز
سی ویک آل ال لا کوہ کز کیکا بک زیدی زیدی زید اھاد کادہ بیجا
 سیوید و طوط **دو** لب بل ال ال سبک سبک کیب کرہ کارہ
 کزہ کاهو کبود کوبد بدکو کہ از حیطر پیچیز کادہ زاید ازدی ہا ہای
 بیوہ **سی ویک** چل یخ بال لب بلا کیج کز کز حکہ کجی ابل طیہوج
 پایکی کیاسی **دو** جل اجل کید دیک طوطی کاجی با لا پای پیچیدہ
 بیچوہ **یک** سی **دو** یکہ بجل جیل ملب چیل یخ مال دلا لاد کی لب
 کردہ

کردہ کدای آکید کاری آجال الما بیال بابل بیباک بکوز کادہ پاکو اد کجا
سی ویک ول لو آتہ اهل ہلا ہال کیو کوی کوی دلب کیاہ کاجی کاجی
 حلاب جبال باجل دوکاہ چانچی الباب اورنک **سی ویک** اول لوا آکو زلا وال
 حبل جلد جلد ہبل لب بجل بلہ بلہ لبہ وابل بالہ بدل لامل کویا بیکہ
 آکاهی چکید زل زک **سی ویک** حل چلہ جلد چیل چیل پول پول بلو زلا
 از ل تجہ ہنبال دخال حبلد و اچ حبال بالہ لایہ والا یحیی ابدال بیکاہ
 بکری ابلہ آبلہ الو زاک **سی ویک** نہ طلا لظ حال لاص جن چلو چل چول
 لوح دهل ہلد اھاب و ابل اجلہ اچہ جاھل جمال و بال کدیہ حایک حک
 ادراج ابلد بلو و حرکی طوطی کز ادہ **اعداد** چل بل لی دول درولد دول
 یکی حلب بجل چل بلع طلا کوبد زابل لبوب جلال جولا لادہ والہ اد
 دلھا حالہ بدل کاهید جاکیاہ زیبائی بطحا **چل** بلک ام امر مطلب
 طبل لھوھول لباح لای یال ابل کیوہ آلود دول دول والد بلوج بلدہ
 ہالہ کزید کزید دزدکاہ **چل** دو والہ ہم محذ زلہ بلی بیبل
 پیل ہزل کبک کبک چاچلہ طالب طلب طال بقال باطل اطل ہیلہ

دجله جلده نوح حلاج اولاد چكیده لباده بارله كودی بدوی كواهی كدانا
چهل و سه جم جم بام ما جلیوب كك جلی حله زولو زو دلو جلول
 زاله هزاره هجر اهوالم هلو طلو اطال زكیه الحجاج دولا بولاد بالود **چهل**
چهار مد دم دم دم لوج حول وصل جام ماح ماح امج الیاب طله جزل
 دبی طوطك دورل كیدی زوال زالو جلول طوه لبیب جهل حلكه الحما
 بلایا پیالا ازاله طباطبای **چهل پنج** مد مد هم هم طول لوط طلو آدم
 آمد دام نحل هیل نیلا اول لواح حلوا چلی آماج دهلو لباب بالی
 العوجه باکزه جواله حوله كاهیده كاید **چهل شش** مو مو هام هام ویا
 لیو ویل طلبه جله هزاره هایل لایر ایله بیدل بلید بلید والده كزیده
 كزیده چلیپا چپیل الوطوب بوجمل آوده زانال الواح لوال حباله **چهل**
هفت مچد دلی والجاه ولای لرای اولی بام نیز كك صبا كوك
 كوك مباد صب جاجم جلدی بلیه بلهی بالید من كرای باطله ابو جمل
چهل و هشت تم تم مد مد مد بوم مو مو جو جمل هم هم مچد امجد
 دماج ماجد جامد حجاد كوك ازی زایل باهم طلاح طامخ چله اولیا
 ج

بی بدل پیالده دلوح بادام مان الحاح هایل ابلهی كزیه یاره کی باروده **چهل نه**
 بزیم مهد مده مده هدم دم دم موح موح حا لایح حای حایل الحی حانه
 چانه ماچه مداد دادم كوچك طم دهله حیول كوك هیلج حكاك ككده
 الهام امجاد لوبیا مین بزیم **چهل دهم** كل كل كل كل لك لك هم می مچ دم
 حزم كك جزیل ادم هدم مهنا آمده ماده مهنا ولید بالین كوك كوك
 ولوح مواج مبارز نام امداد داماد حواله حادوه چكوك زایل چارول
 الحطب اهاج **چهل و یك** ان آن نامیا ای مزه دزم زدم اكل لك كال بیحال
 الك وهم جم جم جم مجده جانم حزام مجاز مزاج مزجا لیوه دوام مواد بدم
 آماده هایل طواله لوطه ابوطالب **چهل و دو** بن بن حمد مدح محد مزه
 هضم مزه كك بلك بکل آمیا انا انا طمحه كالا مزاد واه هولم ایما ایام
 حجاجه حجام مودب موبد مزید والهی طالبی مدادا موجب بیم هیولا
 بیطال بالیده دژاورد بامداد ایلیا **چهل و سه** بن بن بنا بنان بناناب
 بان وزم چك كك چك كك احمد حامد ماح مباح كلاب كلاب كابل بالك
 پیام پیام حیه حیه حیلله او هام مچهر زبایو كوكبه محبوب دلجوی ماجرج

دولاب پنهان و چنگل محبت در نه جان بجا ایخ دیم میددی محو و ک
 لکد اینا ابان موجه موجه هجوم لومی ایچک جامی مواهب مازو آمو
 احمد ایلی و اوایل پناه پنج نه نه نه کله کله کله کله لکر دان ندا
 نادر دنا حرم محی همی جنب جنب جنب جنب امید دایم ادیم
 آدی نایم آمدی چلاک دلاک طویل و طویل با مزه طلبید حوالی طلایه
 دهلوی جلاهی ابیطالب پناه و شش تو ون بند بند ندب بدن کلو روک
 کول کول مندرج موزج موی بوم هان آهن میدی اونا دانا ایچ میا
 ایله امید های ماهی مهیا مایه جانب جان هلاک کلاه هالک گال
 مزه دهلین امرجه مزاج جازنه بزوال پناه هفت زن زن بخند چند چند
 فو ناز پهن نهب بنه کزل محط حلم جمید جمید محبی محیب مری
 بدان بدان موی اها دهر کلبه چیدم و کال الکر مادی کلباد کالبند
 اجانب الهاک اهلاک و اهر ایهام بد مزاج مزاج پناه هفت کل ناز نا
 زنا فنج حبه دند پناه پناه موصد دیم دمید مدید لومی موزه کلبی
 بلوک حطام محاط زکال ابنه ابنه اوان آمیز ابدان آبدان محبوب هارمه
 انصاف

از موه شبایم صباچه بد مزه بادای دلاور پناه و نه مهدی خنا دهن دهن
 هند نهد دند نده طن بز ن حامی حامی چون چون طیم نواب بانو حیا
 میده می ده مهدی بز می دادن دانند از ان مجری جیم پنده کالج کلج
 کمال اکل موجود موهوب کویال آبادان میداد امداد شصت ذبح فی فی کم
 کم کم کم کبیل لبک بلک کلے کلے کلے نو دند موی موی موی موی
 حیران دانه دهان انده نهاد زبان پازن ایچا پنجه پنجه دویم میاط بند
 دیماه مایده هممه موهود طویل طان انزبا باد پناه شصت و یک ایلیک سا
 آس کام کام ماک کام مطیب زون زند زند زند نای این این اینا
 هون لال لال بطن طین آند روان بنده ندبه دنده مویه مویه وهم
 جیم جیم کمال لاک خوب پوزیح مزید مزید زویم دومی انطا میاح
 مباحی پناه یکایک اباز نابانا باناز از دحام احمد آباد شصت و دو بی پس
 سب بنی بنی بنی بین بین آسا اسامک جناح جناح ایچن آیان هان
 هوان نبود بودن بلیک لبیک کلبی امکا نازند نادن نژاد نژاد آژند طنا
 طیان باطن مدیح حمید محدود هممه همیم مزه چوپان جوانب بواج بابک

هلاکو لالا بودیم پیود هندبا انجان واجب الوجود **شصت و سه** یاس یاس
اسب سبابا بساچین چین حتی نخی وزن جنود حلال نایب بائی بیان
بنیا بنای انکم کمرآب هانده مویز موزی ناورد آرموده انداز انجان **شصت و سه**
دیده میدهد کلاب کلابی پاکه دارند ملاح ملاهی احمدی **شصت و سه**
چهار نوح ناجی جانی سد دین دین دق ندی مکتب سبب نوح ساج
مکد حلال بلبل بکدل کلید هدنه هدنه بین نازو نواز زانووزان کاج
جانان انیا نایاب پایان انوه باندک پاننده پانیزه پانیزه **شصت و سه**
پنج سه اسد داس حزن حزن وطن مکه لکه غی هین مطوی زبون
دیوان دنیا دانی نادری نجیب جین پچین بیچی کیده کیده هیکل کدام دلال
دلال دژند هنود هندو نود اجلال بلابل لبالب بلبال زبانده اوزان انزول
میطلبد دایمی جاودان بیهواک **شصت و سه** الله اویان سوسها بنو نوری
حوزن سبب طنز مکو زنده زنده هلال لاله وکیل کولی ناهی هانی بنید
بنید مکه اسباب اندوه فزاده اهنود ادانی اجپنی بیجان پچیان جهازه
بیدکل بیابان بیابان **شصت و سه** سوا حسب سبب زکم کرم مکر سدایب
بیز

بیز زین زین زنی ساو چند چند هین آدمی زاد ماک طناز بجلاج حلال
چنده محبط حطیم نرای بنید بنیاد بیته بنیه مدیجر حیده بطانه مطایبه
به دانه محطاط طحن **شصت و سه** حوطه حکم حکم حین حین بوس سبب
سنل سپاه حلال ساجد سجاد سحیی نبوی مویک زلال ندید دیدن چکه
چینه زکام هنور هچین هدنده میدید دیدم دلدل نیاز زبان زلف
نازی ازین اوزان اوزان اندوز اندازه نطاح طحان بدباطن بی مایه طلاک
نابلد باریا **شصت و سه** سبب طین سده سده پتزن پوزن زنیب
نوجه حلال حلال حاکم حکام حکا سداد دیهم حیریم موکب نواب بیوا
جنید بلبله دونده یازان بازنده پانزده یاح پای بند بدبیا انبادانی
اعداد هفتاد و سه طاس مل مل لمر لم سی کن کن لیل کلک کلک حسب حسب
مکی کی سواج ساده سباز موکد کاجی امحال آینه آینه ناهید نوزید
دلاله بنیجه مکبوب طبا پنجر کاج نوزاره اوآمین هلهل مزحرج بدقاز
هفتاد و سه آلمر مال لام ملا امل اصل لام کاردم هوس سهو سهو
آسود سواد سودا ادرس سبط سبط طلس سای یاس یاس انک کان

لوله کومه کالک کاکل نیال لالی ستره سحاب حساب حساب صاحب نایی
 آیین هیون مزوک دیوان بیچون هلاهل کزدم کای پاپوس آماجگاه جزی
 بطین آلودگی یومیه دیدن **هفتاد و دو** دلیل بع سبب یلس یلس یلس یلس
 سبی یکن یکن بنک کب حسد حدیس ساده آسیا بساط باسط لولی اعمال
 آدم اصلا حفظه بوسد بوسد سجده نین بیک بدنی بچده بزوان پیوند پونید
 پاینده بزبان نوزده آدمی زاده **هفتاد و سه** کین جنک جنک چکن سوز
 عیا جمل جلم بوسه آسیب جلیل حاسد بانک چینی حوط ملاب صال بالم
 یابس دبای سیج بلول سجاده نایزه سپهبد ساباط بنایی بزیند
هفتاد و چهار عد عد سید سید دکن کند کند کند کند دنک دلیل
 دمل دلم عاج ملجا جمال جمال جمال حلال سبنه یونجه میکد کامیاب
 آغین ناحیه ناپاک پانان **هفتاد و پنج** عجب عجب بیج طوس وسط سوط نکه
 کند کند هنک کن سیه سیج چیکن دعا دعا عاد داع علم علم اول
 دکان دانک کادن حراس حسب سحر مالد ملاد کھکل سوده ساید
 بسج حزین حرف سوز حیوان لواچی اجمال ذوبین زبوفن دلایل
 بزنگاه

بزنگاه مکاید جاویدان جاویدان طیدن **هفتاد و شش** وین یوس سوک وین عبد
 بعد بعد نون کون کون نون نون نون میکو میکو سیاه سپید نگاه
 گاه کاهن آهنگ کاهن ناکه اعدا اعدا واسط اوسط طاوس سایه کنده
 مبتدل سبوح آسبه آسبه هال ماله آمله لولی وساده آسوده آئینه
 سبوح هلاک کایه یهودان بیدین دیوانه دیوبند کاهکل نگاه **هفتاد و هفت**
هفت دعاب عابد عباد عباد اعدا عن حسد مولا نونک کوز نونک لوز عوا
 عوا اوین سوی سوز کچند کچند چکن ناکاه عجاج دملج کزنک ناورک
 اونک اواسط الهام اهال اهال لولاک جیون لوله وزیدن زابنده **هفتاد و هشت**
هشت عدد دعد زنونیه اغر غرا هم ملج حمل لم محل حل اژنک هنک
 نازک حکیم لازم مادل حسود طسوح جمله جمله سدید سیج سیج کچنه
 نکوب ابداع ابعاد بنایزی زلالی اموال جوینده زیننده انحطاط **هفتاد و نه**
 طبع غریب و صبح جوع عوج عمد عده نکاح ناکه ستیاح حامل حال ملاح
 اطلح مایح محام محال مطل ملاح سیدیه سبزی کنده کنده آبگون میکده
 الزام ازلام زلوله لایزال پیچیدن طاحونه اعدا **هشتاد و یک** کس سک کین نونک

عطا کینی محلب کردن محجز جرع جرع وعد و عود و عود میل میل کهنه کیلک
 لیے مولد چون اعداد جمبه احوال هلیله برزینہ بنید بناندازه جانکا
هشتاد و یک عبط عطب طبع امم مام مطلب مطلب مبطل کان کیان کاس
 نال دبیط طبسی مایل الیم آملی موله کرتند کونه واسطه کیما حنا سحابه
 عاجز کلال سویدا اعاده لیالی کاهنه فاف سپیده امیدگاه **هشتاد و دو**
 عیب بیج پیف کب سبک سبک لبین بنل امام ماما طباع بنکی ملحد پلیسی
 اوماد اعداد اعجاز مطالب لقامه کوهان جنگجو مبادلہ برسید برسید
هشتاد و سه جف فح باف لبین وزع اعزه محله محله لمحله ملاحظه کاسب
 چکین چکین چکین چکین بایع بیاع عایب جمیل حلیله کابین پیکان کوزن
 زونک کوزر دملوح مبادلہ بنال بنال لبان بنیادی **هشتاد و چهار**
 دف عید الخ مد مدم جاف جفا جفا جوب چینی جام جابع کنید کنیدی
 کنید عمدہ لطره جمول پالان پایمال مزبله حامله طولین اعوجاج لیم
هشتاد و پنج محم هم سک کینه کهن طوع فدا عمود وعده مدام بلبلان **هشتاد و**
 نالد لادن کساد کاسد داعی عاید عادی عجیب بیع اجزا مولده کونده
 بدعده

بدعده انکرو **هشتاد و شش** لرون نزل سوک کوس خال بلند نیکر کوفی موم مو
 کاسه سکها ممام هم عجز مالیه لیر بعد عمید بدیع عبید عبدی لانه
 ناله مولود بندیک یکانه کنانه کیهان اعزاز کلاله عاجز اعادی کونده
 عجیب وسایط سیزده دو کون بدلیل حلال زاده جانکداز **هشتاد و هفت** زف
 نزل نزال وفا کینز کزین زبکے کزی عیبه وزیل مبصر سوک کاس
 سکبه بسکه کچید جام جم لولک مطلوب دنبال مولای مولای کیوان کوینا
 کابین ملحاح سطح برسیده برسید طبیعت کاوزبان بدایع **هشتاد و**
هشت سخن نخل ناز بوف نزل نازل حلیم ملیح جمیل زمام عیوب جمیله بکانه
 آبکینه محاکک انکین نازکی الوان کذید ملاحظه سک **دو هشتاد و نه** عطا
 طف هدف فمد جوف فوج تمام تمام هدم حامی ملامی جمایل کوسج افزا
 کده وجیع کابوس انزال مدام جموم آبای **هشتاد و دس** فی نین نم من ملک
 ملک کل کل کلم کلم نیل نیل لبین کنگ لوند کونده وعید جنبل طابع میلی
 چکیز داعیه ادعیه اعتدای احمان جملان دلبند و ندیک لاهجان وارزون
 دیالده کدیون پیه سوز بکرمان **نور و بیات** نام امن امن منا منا غامان **کوس**

سال لایق نایل فوه کلام کال کامل مالک ملوک ماکل کلام اکل کاوله کوسه
 سه گاه اطفاف فواد حجه مجوزه مجازه مجازین زندگی کزیدک نزدیک کزید
 افاده ولدان الوند اکلیل افواج یاف سودایی **فوردو** امان انام امنا امنا
 محمد نبیل نص صب کسبی سبل سلب لبس کب اماجی مولوی عطیلب
 بیکی طبایع نزاله املاک اکال دنباله **فوردوسه** حبیبین سخن پنجم صبح
 صبا فوز وضر جلس سچل سلج محترم لباس بلاس بلاس لابس باسل سلب
 بنا بالین نزول مجین افواه دمدمه محامد ممداح باصن مناب **فوردو** **چهار**
 عطوط صد مندندم مندومن مند فدی انجم چان جانم عزیز زفرم وفاز
 زونا عطیبه لطف لذی عیدی هفده جلون لاجین الجیل ناچیل احقاد
 جالس حمامه پهلوان مجین کوز همدم طهف **فوردو** **پنج** او ناز طوف عکده
 سهیل سله لیس صاد صداصه منه فصر پنجم نصف کبسه کلبله ملکه
 کله لکمه مملکت انجام احلاس نالید نادم نامه مانند دمان دامن مدان
 آمدن مناد کومیده **فوردو** **شش** رف یوف نوم غوملوت طواف نامه امنه
 مهان هان اندام دامان ماناد نا آدم کیسو بلندی میند لوس سول **سخت**
 یگرین

یگرین یگرین زخاف زخاف غرام دایمال مزهوج یافند **فوردو** **هفت** زمین غم
 زخم وانی کعبه لهن فرود سوال امون اوکع میر بدنام بماند بدنام هانا
 جالبسا امامیه **فوردو** **هشت** غار منان نازم ازمن زمان صح صدور صبهها صوب
 رصب حیفته فایز حقی صیف محس سلج جهنم مفرج هیچکس طاف طهطم
 دلنواز باناد مکمل میدمد ومدعی **فوردو** **نهم** اسارب منظر پنجم
 صواب اصوب بیونا حافی ساحل ساح سلاح سلاح محاسبوس زینیل
 دهنه زهنه ازمان بحان منهاج آمدند حامی جلیندی طیف **اعداد** **صد**
 یوم الاحد مس مس سم سم کف کف تک صح بمن بمن نیم منی سبل لیس
 نکل نکل نکل نکل فوطه اصحا احلس ملل مللک کلیم کلیم ملکی لاک
 کلکل طایف نمودندری فایده نیلی همدان مانده نامده نامجو اباناه زاروانه
 حبلی لاهیجان **صد** **دیک** اسم سما سمعا امس سام کاف کفا انک لام عال
 علان کلان کن انکل انکل انکل نکل نامی مینا مانی مینا میان نامینام
 نیام امین امین امین اصحاب حسباصحاب صلاب ملایک مالکی ملایک
 کلامی کاملی کالی ملال سکاک سابل سایی مه نو دعاکی محبوب مزند **چهار** **سه**

قواد و سبله بوابی مخزون هیون اطلاع باد بجان بکانه محاسب محاسب بطلین
 ایمنی امینی صباچی صاجی سالک کاسل سکا **صدور و زرده** احقاب
 قذح قذح حقد آسان ذنب مسیب منکب ولوح اعطاطی قطاب طباق
 آلف اماکن ناکام امکان زندان اعلی اسای فواکه زنگنه بسطام دمساز
 همايون ناردان نوایه فوزدم هولناک حجابان و ط الله دلنازک ابد
صدور و سینه عجم عجم جمع جنس نجس بجی سنخ سنخ تیج تیج حلف فلاح
 باقی قابی انب جنین جنین حبیتم حادق قاذح قذاح صیحه بلجم مجمل کلچین
 جکله بکانه دیوان بکه سیاب برون محکم مزوی حدونه اطاب
اطلاق صدور چهار سند سند عدم معد بقید فایح افلی جاننا جوقه
 جامع جماع عدیل لدیع احلاق اندام دندانہ کذم کند مکند سلبه حکاکه
 بوالجب حنبنده **صدور و پانز** عمه طوق قوط طاقه قزح سنه تیه قدره
 طلوع معجب فجه اجماع تاید اجناس انجاس ملهم حمل معاد عمار مدعا
 عمار مسوده وقح علیه سبینه **صدور و زرده** قوی قوی یوق قوه موسی ویم
 سنیوم طبقه معبد مبدع علوی عویل عیاهل چسند سپند و سن سک
 کون

کون کاینه فوجان نظرم ملو ملوم عوم فامه صحیح حکامه سنجاب مجوس
 محسوب محاسبه چسبان پاسبان عالیه علیها استاد خاوند نادان نامیده
 قواد جولا نکاه **صدور و هفتاد** مغز مغز غرم وغم ققط زلف زلف فلز حقدقه
 عوام الوف افول لوان سنجده سنبه ملزم مخاط مسطح قاطبه یوزان بلبروط
 سواک ما یوس مساک مساک ماسک مویسه جمان پناه لرزین طهارت
 یکاوس بدسکال بدکان **صدور و هجده** و قیب حسن حسن محض حلف محل مسیح
 جمعه جتیه حین حین ققط قدید عازم محل ملانم منکوب بویلی دنابله
 مژمان زینان محمود زنگوله نجایه **صدور و نوزده** طفل لطف لطف طعم ا حسن
 حنا نحاس ساح حسنا عمده معدده زینق آبنوس کاجچه ناسنل ناساز مسجا
 عدیله فلاح حلاف افلیخ کخاف قظاظ **صدور و بیست** فم عن مسک مکس سکت ملک
 نیل لیف غل ننگ سنی سنی مطاع طاع طاعم طعام طامع الطف عود
 عود قبیح کیفی کین مکین بکین یکین کینم کسبل سودن احسان کلینی علیها
 بالابلند **صدور و بیست و یک** اصل صلا فام انیس سینا ساس الیف عیا اعلی
 نای منال نالم قیطی طیقی سماک سماک سبحان الطاف اطفال اطعام علوق

سیمیا کیلاس یکسال فولاد تاج حکامه همایه موبینه میکیل هندوله
صدوریت و صلب بصل عب اساس مکب خیب پمین معبود انامل موی
 سوهان سازند امساک محبطه اصلا بطالع زندانی کوساله سبناده دمیجه
 ناکای **صدوریت** و جمع عجمی سوزن عناب مکاب نیج سبمن طنطنه
 حدائق قدایی مجفل ملزوم کلبانک انبساط آل **صدوریت** و چکا تدرک
 عدن سدس معید عید معدی مدعی عدی عدیم طعه مندل سمنوح
 ساخته کند کند دلیف اذلیع طلیعه هندسه مسکاج سوزان سایبها
 مویجه اعناب **صدوریت** و رخضم عن صله صهل عناد مکده کمه نشیه
 سینه سینه سوانخ نغک معجزه کینه اطعه طایقه کندها معیاد کندها
 عزایله **صدوریت** و شش وصل عون نوع قوم کلکون یونس سوس کون
 نگون ملون کزانه موعود سلاله ماسکه مسکو صبحگاه بهدیل حنزل
 کله ناک سیزم جهوزان **صدوریت** و مسطیح زلفی وصال واصل اصول
 بدیاصل منزل حدیقه اکون کانون مغزی عون ماوف مسوک مسکو
 سوال اتمام اساسه سائنده نوآیین علیجده ناکهان زعن **صدوریت**
صدوریت
هفت

هفت حسین حینه صلح حصل نزاع انواع اعوان فالیز صاژل خرایم مباله
 معایبه معیوب بوسلیک مسکوب نکیمیا مولانا بنجامه **صدوریت** و نه
 نطع طعن عطن لطیف طفیل لطیفه طفیل حاصل صاخ اصلح صلحا
 مطیع معطی کتنده کتده مکوجه نکاهیان قهوهچی ولدانزنا واپسین **اعداد**
صدوریت فن نف قل لقل لعل سنک نکس مللجایگاه نلک نلک کتد
 کلف کلن لسن سلم سلم ملس عین نعی عین علی نکلن مکل منم سلیل
 عنود طاعن جاسوس مظاف نظام لطایف اصلاح **صدوریت** و یک سالیس
 مامن لقا قل لافل نافت فنا اصیل اصلح عیان ناکچی عاین اعین
 سلام سلام سالم اسلم لامس املس ملاس لسا کافل کلان ساکن سکنا
 سکان سکان کسان کتاس ناکس محوم نیکان بلان وصله بی لطف انیس
 مالک کلکونه کلیسا غام منام **صدوریت** و رو قلب قبل لب قبل قبل سب
 سبغ عبس لاینام اسلام الماس امسال حطیب مصیب بصل وصول ایصال
 نالان اعیان علالا معاویه تجیزاده الاتی سنجیده افلاک **صدوریت**
صدوریت جنین جنین جلق چقل ق بل بقال قبال ابلق قلب قلاب باقل
صدوریت
هفت

سابع سباع مجلس سبیل عجین سبج محفه سبج سوزن و سواس و سواس
سایس سنک با پاسنک عنای انطباق ملحدان **صدور سبج چهار** سعد عدس
باندا دلق دقن نذق نذ لجمان صد منید جالق جلاق حصول عندی
عندی عدق عیند طعنه مدلس انبال الفاب لابقا مجالس منیدل
هقدیم اولاد محمد **صدور سبج پنج** قلد ساعد اسعد فهیم نافذ نقاد نذاف
انذ سکنه سکنه انیاج عیند صهیل فهیمی فاطمه حواصل مهمل حصول
صدور سبج شش قول ناند صوم و سع مومن سکون کلافه عیون و صلی
ممان کرین طاعون سکا هن ملوک لاسه مسئله سلامه مکالمه **صدور**
سبج هفت ساویس عزیز زلق لرق واسع اوسع سولع قبله قبله مومن
رسوسه بی فهم قوال اقول منجد و صالی باب السلم آسکون اکسوک کیتباد
مخوف عابدین بی عناد **صدور سبج هشت** صلوب محمود خلق قلوب قبول قباله
قابله لراق عبوس ینوع زفان فادن کچینه سکجه حسینیه **صدور**
سبج نهم ظن نفظ نطق جوسنک جزون لثق الحق طلق صدسه
حوصله چقاله اسبوع عبوسا مسقط طلسم مطلق حفا طفیلے فللجاه
مقدم

مقدم **صدور یکم** علم علم علم علم علم علم علم علم علم علم علم علم
کفیل سکین طلاق طالق عطاس ساطع اطاق ملل تاده الم عینی **صدور چهل**
ب اسف فنا عجلین متان نانی فانی صایم صیام عامل عالم اعلم عالم
عالم علا معال علام لابع معلا آلطی سایعی عیسی مسام ماس مسما املیس
سایل قلوه لسان السن مصباح مصاحب لاین قابل قالی بی حاصل اطلاق نکسا
کاسنی کاسنی ناکی انکس کینسا کینسا عباس آباد مساهله اصطکاک
عیانی قباچه **صدور چهل و دو** نصب نصب بتم بتم اقا قبیل قلی سبیل بانده
عبدالله مصیب محمد اعمال اعلام لامکان مالکان زندگانی منزم **صدور چهل و سه**
س سبج سبج ناصب نصاب مصایب حلقه فزون قلیج مجسم عباسی سوز
رسواسی و نایع قابیل باقی قالی بقالی قلابی قابلی **صدور چهل و چهار**
قدم قدم سعیدی سعید عزیز الرجود دینن دینن نطفه عطسه مطنه محمد
عدنک سبجاف چاقا انجن معایج افزون **صدور چهل و پنج** سفد قادم اقدم
قدما فاسد انسد فساد لعه قلبه لبقه میمند مهین انیدی سکینه کدینه
سلیحه مسیله کلندام ملله **صدور چهل و شش** قوم صون و سبج سبج علوم

حراری جبهه مقاطع معقود عظیم عمیق منقل ربواج **دوبیت و بیت و بیت**
 اصطناع صنایع عصیان کار راک امرک اکی عناق عنقا قانع لغمان **صنعا**
 بی آزار بازاری پیماره تقیال شناس جزایر رطیب سمنان رویه **رویه**
 داوری دیوار لاصق **دوبیت و بیت و بیت و بیت** برک کبر کبر کبر
 اراکار زیزه ریزه هیزه درجیه جمیده چرمیده طبرزد موصوف **فصفا**
 الصاق جویبار جراحی درازی رهاوی منقلب صاحب الطاف کلین احسا
 علی و بی الله حیدر **دوبیت و بیت و بیت و بیت** چکی چک چک کار اکبر راکب
 بارک باکی راکب راکب زینور وزیر عالی نسب روپیہ دروازه
 پیرای بیچورد **دوبیت و بیت و بیت و بیت** درک درک کرد کرد کرد چک
 طیره رطیبه حوری رومی ارحیه رایحه پرهیز پرزاد جوهری سنبلین **دل**
 مصالحه بیجا بود اکابر انکار **دوبیت و بیت و بیت و بیت** طهور کھر کھر
 کوه کوه کوه قلدان مقطوع دراک اردک کارد جزیره زحیر پرویز
 پیروز بیروز **دوبیت و بیت و بیت و بیت و بیت** سفوف کور کور کور کور
 درک کھا کھا اکرم موقف موفق قوسین موسیقی صنوف **منقل**
 رهایی

رهایی دارایی ناصاعه ابا بکر بخش چمتی نکیمان حتم **دوبیت و بیت و بیت و بیت** کوز
 دکن کوز برکه کوبه کوبه کاره اکراه موافق مواضع بیداری رویی صفاهات
 اصمیان طمزنک بن هظه **دوبیت و بیت و بیت و بیت** حسیله حقیقه ابن نقله پیرایه
 کورال باکره کھرا کازر **دوبیت و بیت و بیت و بیت** مصطفی الطاف حق لطف علی بزرگ
 دادگر بارگاه درکه کرده کرده کوز بزرگ **دوبیت و بیت و بیت و بیت** صاحب الزمان حقوق
 دادگار نقیع صیقل خزیره چارگاه درگاه لر کبر کبر ریک کبر کور کور
دوبیت و بیت و بیت و بیت و بیت ابوبکر نفاق بدکھر کوره کوره کوه کوه کرد باد لار عاقبتن کرای
 کاری مسلمان **دوبیت و بیت و بیت و بیت و بیت** کبر کبر کبر کبر هرگز مرکب موقوف انفعال
 درپوزه ورزیده **دوبیت و بیت و بیت و بیت و بیت** راجل راجل کچی کچی پکار پکار باریک یکبار
 کتاب کبریا اکبر اکبری دایره **دوبیت و بیت و بیت و بیت و بیت** راجل راجل خندق نوبتون
 کبر کبری کبری دومی دیکر کبیده مصدق مقصد **دوبیت و بیت و بیت و بیت و بیت** کوبه کوبه
 نفقه زکوب بزکوب مصداق مقاصد چهارگاه فندان فندان عبدالحسین **العباسین**
 مصطفوی **دوبیت و بیت و بیت و بیت و بیت** لور دلبو بودل کوری ورنک دلایل کبابه کوه
 یادگار **دوبیت و بیت و بیت و بیت و بیت** روزل لرلز زینک کزین کزین دلربا بلاد کبیره کھوا

عجب داریم مرادی مزبور ناچار جریبل میجرم **دویت و پنجاه و شش** نوز نوز مطهر
 خنار راهن بندر برند برند برود روی موری بیدم یارمه
 طویار مصنوع مسور بلاصفه مزاجه محابه فتوح هم آورده کک دری **دویت**
پنجاه و هفت محجور انوار نوار نوار روان نوز بناور مطرح انوار اهان
 ناهار بیجه پندار برودن پایمرد مربوط مرطوب عنفوان آب انوار اردی رزی
 مد ویدر علی وال بلدی **دویت و پنجاه و هشت** سخن رحیم حریم مزج بروک نوبه رهبان
 برهان برناه نزار نزار رنجه جریه کلزار انوار ناروا میوزا هرروز ورحزه
 ابراهیم **دویت و پنجاه و نه** زنبور برزن زنده آدوند طیس جریک رسیده
 هجران هجران ارزان حرامی مطهر مزجر حیران **دویت و شصت و یکم** کرم کرم کرم
 مرک مکر مکر سر سر سر کورل تیر نوز درون نوز نادره در بند
 نزی پنجه چنره جانور بریم فلسفه کبکی لفاق قفل غمیسق **مصنف**
 عاوده آب روان **دویت و شصت و یک** داس رسا سل مار ارس ماکر کار ماکر
 کرام اکرم بحران حنجر زبان نایر هرک نایس ه نوزه نوار دروان نادر
 برنده زمری صنمان رومیه امیری تلقال هرایی **دویت و شصت و دو**
 نری

کسر کسر سپر سپر سپر بریس سرب برهک مرکب سارا برین پیور برف
 ایران یاران برهنه اکرام چرنده اندرز اندر و رجحان آمرزید امیدوار نوز
 دارا یهوا **دویت و شصت و سه** جرس جرس سرج جرس رجن روزن نوز باز
 سپار اسرب سلب مبارک مرکب آب کرم بیان بیان راهزنده درنده قلباسک
 ابنه دار نزار کلچر والا کهر بهای مطا **دویت و شصت و چهار** سراج سراج
 رسد سده درس سرج مددک مددک مکدر مکدر پارسا حرک حرک منصف
 انجیر جریان برغانه پروانه نونهار هزاران زربان **دویت و شصت و پنج**
 سره سره سفره سفره کرم کرم دهن بنره دینار رنده ورنه حیران
 پچین پچین بسیار مزنج همس طهران زنبور **دویت و شصت و شش** سور سور
 سرور سرور ساره هراس نوزی بنور بنور نایره مکر سپرد بسد بسد سپرد
 صاعقه مکاره مکاره کراه بیدن بیدن حجه مناصفه بددک فیلسوف **عسقل**
 هزاراده **دویت و شصت و هفت** زمین زمین مکرز انوزی دیران اساره سپهر
 طنبور بنره پیرهن آب سرج آرامکد پای چند کاروری سقونیا امرزیده **دویت**
شصت و نه سحر سحر سحر سحر پیرین پیرین کام دعا اردان دایان

روزنه هیرس سیماب مرکب کز باره آنگاه **دوبیت و شصت** ساج ساح
 سراج سجاد حارس سطر طرس سدره سپرز ریحان حیران نوروز روزن هرچا
 سرچه برزین بوزن ارزانی کهرآزار براننده والاوهر ناپایدار **دوبیت و هفتاد**
 خربزین عمر شیر سیر ریس رسی رکن نرنگ مک کیم کرمی میکرم هرکی
 مکی مبرک کیم دوسر سرد دروس اسرار طبران زنجیر مفضل جارس
 مصیقل دارینا سبکسینی علینقی مبارکباد مقناطین **دوبیت و هفتاد و یک** مقاب
 عار اسیر سایر ستیاد ساری فیاض ساری دوسرا رمال منافق هرلینر برده
 کار کران کران نگار نگار نگار نگار نگار نگار نگار نگار نگار نگار نگار
 کل کار مکره **دوبیت و هفتاد و دو** عرب ربع ربع سبک برکن برکن پسر
 انکار انکار انکار کلبرک سواره بوکی بکرم ایرانی طنبوره سپهدار پویانه
 سهواقم امید واری سنان اسن **دوبیت و هفتاد و سه** عرج ربع ربع پانی
 بسیار سراب چرکن کوازه مرکوز زمیندار زلفانی سرنج برآسود نااضاف
 وقت المؤمنین کن بلای **دوبیت و هفتاد و چهار** رعد ربع ارج لاج عارج
 درنگ درنگ کزین کزین نکر نکر کزین اعراب اعراب رسید سرری
 دبی

درسی دانیاغه درین بیس ارباب لادنار لاجرم کزیم نوردید ناچار هرگاه
دوبیت و هفتاد و پنج سطور ادریس برجلین کزین کزین ادونک دکون ارجاع
 روحانی جبهزار طهرانی سزادارا پروین برپوسز دارای جهان **دوبیت و هفتاد**
شش ساطور ارسطو عود روع ربع ربع نوکی سوی رویی همجلس سبک
 کزاده آهنگو روین دلازم نینزار هرین کاردان اردکان مالدار کزاه
 دیواندار **دوبیت و هفتاد و هشت** زرع اعور عجم زرنک کوزن رکنان انکور او
 روزمال سواری سپهری ساوی پرکنه ویرانی باورنک **دوبیت و هفتاد و نهم**
 کبود سرج زاع عبور جعه مرحل سوری راجه اربعه ارزنک حمصق
 زنگار کاروان ناگوار اربانی ماه پکی دارچینی **دوبیت و هفتاد و دهم** عطر عرج
 رجوع کجور ساحری سراج مرحل مرجل دیباچین ریخانی حیرانی رسیده بوی
 درنایک زناکار نوردیده نوردیده سرآناد **دوبیت و هفتاد و یازده** حرف مهر ربع عی
 سکر کرس کرس کرس کرس عطار عشق رکنی رکنی نکی نکی رکنی
 دوزنک کزین ریسین سیری دراعه عاده سریدی بزکان ننگا
 دکاندار آب انکور **دوبیت و هفتاد و بیست** قوس قوس خزان ارف عروه دای عاری عاب

سقاى **سید** و **دوازده** بیش پیش شیب شیب شی برقی رقیب رقیب قریب قریب
مشاط اعزاز اشیا معتبر معبر مرتج شمبر پادشاه بقراط اشباح شجاج ابنان
نارسا برحق سیمبر کارمان هزوان موربانة روزنامه **سید** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه**
سخن زورق مرج قره باغی پاشی و شتاب دارالعباد ابریق بزنج پرنیا
بریان بریان پادشاه نجس بزنج حجاز اسود ناهنوار سلیمان **سید** و **سینه** و **سینه** و **سینه**
شید شیدی وحش حشو شید قطره محسور ندری قدری قریح معراج معراج
ابرقوه سانبان سرند زیند نارنج **سید** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه**
شوط بزوش قره رقیه وشاح شهباز شهود رساند قهره میسر
مسطور هرنک اولوالمر حبشه **سید** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه**
شوی سیمج نامر عامر اندراس نوزس سنوز شید دیش شوب
بفقد موسیر قمار سرایر کریند کانداز **سید** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه**
بیشه ببیشه بییشی مزع باشند پاشید ناسور روناس شجاج شجاج
هراسان **سید** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه**
شدید شامبد **سید** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه**
شدید

شواب قویجی سندرہ شداید مرجع سرهان بیوتار جهان نوزد محروسه
جوش **سید** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه**
عری مسک مسک قیراط ارقطاط اشطاط سرهان پژوهش دوزن شاهدبا
طیاش مطلق الیمین ایران پناه **سید** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه**
ارمن فرها شیوه شوی عاری مرای نازک کرمانی **سید** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه**
بکش کبش بکش عنبر فرهمر پوشید چشیده کارمان **سید** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه**
بکنا چکش شبد بز جوشید بیوش سپه داران شاهزاده پادشاه فرزند
ایران پناه ابوالفرج **سید** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه**
مفرز مرف و حشی دوشید فرجام طریقہ سندرہی حاشیہ **سید** و **سینه** و **سینه** و **سینه**
سنطور سنطور سنپوز کتاد نغمه شتادکے انزاج کرمانجان حواسی
سید و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه**
شیخ مکسور دلفزب روحانیان دارالملک **سید** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه**
پوشیده عرابدی کرمانایه **سید** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه**
عزرائیل دارالامان فرزوعه آلرمان **سید** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه** و **سینه**

کاوکتی اهل هوش **سید و پناه** ششم حشم منابه چشمه لبرباد صوبه صوبو
 عرق محقر **سید و پناه** جرموق شام منط مشهد جوش جوش جو ششم فرزه
 همنصد عرفان نامهربان ناصبور صراوت **سید و پناه** شکل قرن نقر قرن
 بیثم شیم میش می شیم رقیم قری قرن کشتیک فرجین سفری مناهد
 عسک شاهدم فرودوس جاموش مقدر فریدون انزله بصیر الحصار ^{اول} ریح
 عرف فرج احشام **سید و پناه** شان فنا شتا رافع ارفع عرف عارف عرف
 رهبان ارف اشک افزک کوزان قران قران قان نقار ماشی شامی ^{مهم}
 قاریاز کورضم فریدنه رهمیز **سید و پناه** بنش جن جن کتب شین
 آشتا اشتا کمال کمال کمال قنبر اقران آق میر فرزندہ ^{فرز} جھان
 سنک ریزه شیب **سید و پناه** ^{سه} جن شین شین شین شیخ شیخ جعفر شبک
 ذناب نباش ناسب قران قران مازندران اسغزید نفیرچی بداکش
 شکلیایی کشتیکی جھان افر **سید و پناه** ^{دو} چهار شدن فشد موشع جوش
 شغوم دلکش شدیم میشد مندریس سمندر الماس ریزه **سید و پناه**
بیخ نقر جنبش دانق دلکنا سنه مشاطه شیم هیتیم مشاهد ^{فرز}
 هرط

هرط قرامله فرطوس فرهنک سرانجام از اسباب ناچار **سید و پناه**
پناه شش سیقور لوش فتر سنو شانہ ذنہ مویش سویم رونق قرین
 مشوی فتوی نقاره **قناره** نادان ناساد اشان مهور مسندآرا بدشکل
سید و پناه هفت مواشی بمقدار شتر شنبه شوا اشو جمید قار
 ناقر سعد اکبر **سید و پناه** ^{هشت} بوش جنبو خنوب شبانه آمیزش سن
 باداش پاراش نازش شان اوشتا سفرچی چنانده حیثی **سید و پناه**
پناه و نه دشنه جوش ططراق شطن نقش نسط سبطم سپرالا
 شادانج ذک بارگاه نظیر **سید و شصت** مشک مشک شک کم مکش سق
 صرع عمر بنش شین رفیع عرفه فرودوسی شنود نوشد نشود نسط نا
 شکل کیشل قرین نفیر کوفی عمکی همیشه قنهار طران مادرتجه
 محب عمر فرنی **سید و شصت** ^{یک} عصار سمار سرمام برقان قرابین
 شاک ناشی رفیعان شاد دسیمان معوره حریادان ننگ مجرم سلیم النفس
 لوم الاربعاء **سید و شصت** ^{دو} انوشه شیب بیلش مغیر آشیان آشنای
 نشان ایشان ابو جعفر محمد کیم رسول الله مشک **سید و شصت** ^{سه}

۱۸۹

شخه شبانی شبیان بیجان بنایه شهناز ناشره نوشیاد قراچید جعی
سید و شفت چهار شنید شنید نوازش چاشنه شوع قطره نوشیاد **سید**
شفت و پنج شطون ایچاش عرصه قرینه سرور سیکله جهان شاه **سید و**
شفت و شش شتون مشکو کم شو موئک شاهین ههشان شهیان شخو شو
 نگاه شاد کام **سید و شفت و هفت** دوشنبه قیرون قروان سویمار قراسو شاد
 محبوب چارده ساله شهبای بزم دارالسلام **سید و شفت و هشت** شطیط شب زنده
 قریب باده نوش پیا لکشی بنیوش **سید و شفت و نه** شطیط شنیده کشته
 سک کونده شیط نطیش **سید و هفتا** شکن ننگ عرق عرق فرغ صفر
 صفر حرف حرف نوشید دوشین مشک میکش میکش صیر صیر صیر
 سرمد شرب شرب قرطاس اندیشه شیطانی شاطی **سید و هفتاد و یک**
 شمال مالش شامل صفر اصر حرف صفر علق رقاع عقار ارقم قارع
 عنا ساع فرمان مینارک معوریه کل رعنا دیمان باز **سید و هفتاد و دو**
 شبع شعب برقع عبقر عرب کاشان چکن بکن آسایش بقین اعشا
 اسعا آشایی آسمال **سید و هفتاد و سه** پیشانی شونیز شباع شلم عقارب
 جوزع

بزاع شکنج صفر **سید و هفتاد و چهار** محمد عرب کلبن عرب پیر مطاع صمد شباع
 اشجع شجعا زنده پوش بنی اسرائیل اشباع شکند کندش **سید و هفتاد و پنج**
هشتک رقعه فرعه حربه دوشینه مسیطرون پیشاندان **سید و هفتاد و شش**
 شکوک بیدمشک عقور قارمه اشعه شبدع شوع شمول کنگول بنور **شکری**
 دارالعلم شیزان بنور سراسیمه شاد کامی **سید و هفتاد و هفت** اونک شعبه شعرا
 اشاعه شباع کاشانه شاملو سیاوش کاوریش **سید و هفتاد و هشت** شکنج
 مغرب مشکوی شبا هک شبا کز شبا کون باد شمال عبدالکیم صفر اشکبه
سید و هفتاد و نه شبا نگاه شبا پین یار نازین عطش اشکبه **سید و**
هشتاد و نهم شفت عیش فقر فرق رفق مفر مشک صفر عرق عطاش
 سکال شیطانی شیطین سندرین فرمانده فرودن **سید و هشتاد و یک** شفا
 شان فاش عیاش شابع عشوه ارسطالین فقر رفقا فراق فقار فارق
 شعبه شبدعه مکرهش هوشنک شبا بل شمالی عراقی مسافر شمام **سک**
سید و هشتاد و دو ام القری ارفاق افزاق افشا شعب عبقری عبقرین اشباع
 اسرائیل شایگان کاشانی **سید و هشتاد و سه** احمد ریل قطب عرب لکن عجم شجم **سک**

نقره کوب **سید و هشتاد و چهار** شلیلد دشکی قلندر نادر الزمان حکیم شاه حکم شاهی
سید و هشتاد و پنج خزه زفته رفته سیمر علیه گشایه شفه **سید و هشتاد و شش**
شش شاهه شفاه پوشع شیوع سون مرقوم منصور منصور شاهمه غایه
 سرکوک سازه **سید و هشتاد و هفت** فالوق بصیرنه سوان شویال سوان کشتیز
 یکنبیر **سید و هشتاد و هشت** رحید صر فحش سبرکش عیش آباد **سید و هشتاد و نه**
 فاحش فحش فحاش فحشا سکهیدن فرافش طغش حب الصنوبر عطش **سید و نود**
 منقر منقر قمر رقص قمری صقر منقش شمن شتم شیم صغیر قغیر رفیق کتایه
 شکل معرف صبری نغزین خرفی عیشی فیش عیب پوش معک داراللطنه
سید و نود و یک قاصر اقصا قضا رقامی شافی شیاف عیاشی شمایم
 مقار مقارن معارف مراع فرزدق آشوند تلخار ممالک بسکسار نایاب
 سعبده باز **سید و نود و دو** اشکاع سبیم برقی شصب **سید و نود و سه**
 حنقه مناصب کجنگ مقربان **سید و نود و چهار** شمشق مندن فاضله سفینج
 مانک رباب سدکیش **سید و نود و پنج** شکوهیدن اشته شیمه دشنام
 محمد باقی ابوالهشم **سید و نود و شش** شمشوی معرف شاهیه عکامه مقربین
 مغفور

مغفور مقارنه فخران شادمان مرافه شنبلیله ککشان **سید و نود و هفت**
 زهره کوشال کاهکشان **سید و نود و هشت** فرایش دوشین کان شصوب **سید و نود و نه**
نود و ده افزایش مناقب شاه **سید و نود و یازده** ترقی شق شق کلش شکل منشی
 دنیم کشف کشف کهنش شمس فیض مرجع مصوع سقر لاط طاق کبری **سید و چهار**
صد و یک تا آن کاشف کثافت کثافت شاق شاق تاش جابیشه ذنات صراف
 رصاص شقای سماء عزان مصرع مصرع دفاق عایش شقای **سید و دو**
 شنب بیتی شبق بت بت نمیش کاشقا افزاین سیاه کوش درالاشک **سید و سه**
سه تاب بتا برادر پیمان شصایب بستان **سید و چهار** بربر ربوب
 ابرار درهر جوار شدق مشخور دشمنی شمیدن حکاکش کوبلای معاد **سید و پنج**
 شقه شوق حبت نه شعله شمشه نه بتاب جاب شیمه هوشمند **سید و شش**
صد و شش کاضنه بز الفظنا عوارج دویس قوشوش و شق ناه رفیق
 شاقه شاهق فزون اسفندبار قیاصه ذنانه شادمانی کاشفه **سید و هفت**
هفت هبت هبت به بهه و شاق رهبر برادر مبارک تلم ذنانه
 برادر اوشق **سید و هشت** جهت قوب قوب الهبت بنها اهبت بتاه تابه

پرویز ابتدا داهی باردار زعفران محشانه و الهور **چهارصد و نود و یک** قلاب جهات اسان
سوزانین جملره باردر برآور بردبار پرور اهات انهات **چهارصد و نود و دو** خنین
دریدر پرویز شقی طرار دهات عنصر مصرف و تدبیر شمع نقرس
تبلیغ جبهت بجهت مرقع معرف **چهارصد و نود و سه** کاشف آیت حجت در
شناسی دوات مشاع شماع اعنی معاش سابق زاهدان عناصر سکون طرار
سرافکن **چهارصد و نود و چهار** حدت آباب حاجت پرویز نهجید اوتار ادوات در
اجازت زردار رهوار بی تی بیت تیپ شناسا پنجشنبه ابهاج معرف
سم الفاء **چهارصد و نود و پنج** قوبه قوبه نایب بیات تابی جودت تازه حاجا
مجاهد واجبات رودبار زاهدان **چهارصد و نود و شش** حوت دیت توجه جهات اتم
احتدا ریجار اجتهاد جانتین دربر میندیش شادبان **چهارصد و نود و هفت**
نیه فی توده ده قو وجاهت شهنی مجتهد هریر پتاب بر درجه عالیها
و صوبه یادت **چهارصد و نود و هشت** ترهد هیات کاینده سوشی مشعبد
مصرفی مشمول مصادره منوکر زارزار پرده دار تریج مجوز سوزی
چهارصد و نود و نه پوزره نیز بن زیت اسوزک هیبت فیه زهدات

تادیب نایب دلبت زریب موسیقار ازاخت قطبشاه کفرودن بیادت مجاوز
تراویج **چهارصد و نود و ده** نودات تیج حتی وحدت لوحه حریر دیت بتیو
پویت تازی نیاز بناهی دریا بار شجائیندک چشامیدن **چهارصد و نود و یازده** تطیح
تطیح نحاجی حیوات حیات وحید العصر بردباری **چهارصد و نود و بیست** بتدبیر تک
کت نشی هیه هملیت مشکین عنصری طراری بجهت تقریر پیرآب اهباج
مرقی مفرق **چهارصد و نود و بیست و یک** تجرید تطیب ناک کان تیهو هیبات مرفق مظا
شعاعی اهترار ناچ ووز **چهارصد و نود و بیست و دو** تطیب طبقات آب حیات زیاد
تراید کت پتک هرزه درنا نازمان تعجید سرشینه تدبیج **چهارصد و نود و بیست و سه**
تونی مجتهد کاب کاب کتاب شعبان شعبان پرکار پرکار تقدید احتیاج
چشمه حیوان شاه طماسب **چهارصد و نود و بیست و چهار** ترهن توجه توجهی انالک کرا
انقلاب **چهارصد و نود و بیست و پنج** مخفی هک تکر کتر نایب ذیالی بنی شیان
چهارصد و نود و بیست و شش فرغوس کت مشوم معروف مرصی ترهد کلیم کوش فخر
تریج مجبوح دشمن کدان **چهارصد و نود و بیست و هفت** ترهد زک کت بکله جزئیات
تریج **چهارصد و نود و بیست و هشت** توجه ذکات حیاطت کانه شب وصل و کابدار

شافع اشع شفا نوله نوه نقاش مشاق طامات مزجات **چهارصد و پنجاه و دو**
بفت نین بنی بنت غده مدحت محدث محدث سیدولت محامد محامد
محمد امزاج الوهیت انکشاف صاحبقران سام بزبان **چهارصد و پنجاه و سه**
حبت تمام مجاهدت بنات بنات بنان بنان شوقنا عوز طمناح ذهره
موهبت صبهوت صحب ربه نار **چهارصد و پنجاه و چهار** مجبور عظیم تند تند
حبات مجتات مناج تجویل امتداح متوجه انابت تابان سرفرد **چهارصد و پنجاه و پنج**
پنج تجت تجت رحمت مجتبی نماند منه دناوت هفتین آدمیت **هفت**
صد و پنجاه و شش ماهیت نقوش نقوش نون نون نون نون نون نون نون نون
نکاهل مزاجت جنابت مجابت مبتدی همتا **چهارصد و پنجاه و هفت** هج ورج عین
مزیت توان نونه وکالت انفا اجتاب ماهیات انتجاب مجتبت تجتبت
مکتبم **چهارصد و پنجاه و هشت** نبوت نبوت نبوت حجت توانا نادان برنور
بناهت چشمه علی محمدی حطامت تعدید **چهارصد و پنجاه و نه** رحابت نهن تمهید
قدیم مجابیت بخور انتباه امتیاز تنده انباردار **چهارصد و شصت و یک**
تین نیت ننی کم بنیم مکرر شفیع مشفق فریقل لملکه موجودات **چهارصد و شصت و دو**
شغز

شصت و یک سناات سکا نافی شفاف نقاشی کوریت شافی مرورید
چهارصد و شصت و دو لغزت لغزت نونه سبت سبت بیت مکتب هزیمت
اسرار تابنده معتب زهریر ناشنن هماناب فبروطه برارنده علوناه
چهارصد و شصت و سه حجت حجت حجت بتان بقیان بقیان بقیات بیابت بیافت
آبتین تراخت تالیس فجعج کوزال کل تاربه حجت بنات بودرجهر ما محتاج
چهارصد و شصت و چهار دست سندی سندی تدین نغیده حدیث انقیاب مناج حیات
دستی ابودرجهر چهارده معصوم **چهارصد و شصت و پنج** همت سنه نکه سناد
سرمار جنیت تجین پادبت دیانت دلالت پادبت هست **چهارصد و شصت و شش**
تلجلی استا استاد سادات بدست سرور سرور ناسه لغایت برهانپور
چهارصد و شصت و هفت ذنوج اسجاب جسته جسته تزکیل نیت نغینه آبت
تمین منسعه مکاببت **چهارصد و شصت و هشت** حکم پوست اقتر حکمت مکتوب
استرا بیججه دروس سربره حاتم علی **چهارصد و شصت و نه** تصید تصید
ندهین تجویس توجس سات طلیت دسته ناحبت محاکر آمرنگار
چهارصد و شصت و ده عشق محاکات ملت تنک تنک سنی نلیس دست

سرپرکت کیت حتی سادہ **چارصد و ہشتاد و ہزار** سرایر عناق عاشق تامل ملت
تالم کان کات کانت کان نکت نکت سوتہ سیک عراض سباح
تویہ استادہ **چارصد و ہشتاد و ہزار** تب تبع بیت لبتی امتلا نکت تنزیہ
سرپرہہ دین پرور محمدس جتی استبداد حرام روزی اہناس احتساب
چارصد و ہشتاد و ہزار تلماسد تالیسی تک آب تیخ عتاب نابع مجمل استیلا
مستد زنیون نکبات مکاتیب **چارصد و ہشتاد و ہزار** تیشیا ملجا ملجت استجاب
تندک مبالات حکمت نزول اعتبارا تسیب استقل تاناک تازیانہ
دستی **چارصد و ہشتاد و ہزار** نکتہ نکتہ نکتہ نکتہ ہستی عادت مہلت
تجب عشمہ باباشجاع الدین استیاج امتلاج سطوت توسط ستوہ
تلیل بدیلت سرداری **چارصد و ہشتاد و ہزار** تہبت بیعت سوتی وساطت
صفوش اعادت کھانت کھانت عمول سردری سردری نکتہ حیوانات
تھابی قرچلیم **چارصد و ہشتاد و ہزار** تہفت اہتمام ملہب عتبہ ستیز عبادت
استیجاب اکٹاہ عزت تزین الموت رنکز بیدانت **چارصد و ہشتاد و ہزار**
تقدرد تندید تخمین مجمل نزاک تلیل پیوست پیوست عبادات ابتداء
مولانہ

مولات بیت اللہ امیرالمؤمنین حسن عسکری **چارصد و ہشتاد و ہزار** شرط تعهد
محدث مختار تعداد سیاحت کناجہ نیناک اعترا انزاع وصالیت اهل
مجاہلت تطیلین محالت **چارصد و ہشتاد و ہزار** تف تف شفق احلام ملاحات
حاملات محالات احوال طاعت دعوت کیت تکین نکس مرر عشقہ قرعہ
تبیخ اعتداد تلاطم معصفر **چارصد و ہشتاد و ہزار** متداول نام انت
تفا اوت ساکت سناک تمام ماتم مات فرار تالیس طاعات اطاعت
کلالت عاشقے سرکار دعوات عداوت تسویہ **چارصد و ہشتاد و ہزار** و اما
اقام بیعت اشفاق ستیز سناک تامک تالان التیام کانیات تہنیل
چارصد و ہشتاد و ہزار ملتی لکین حجت حجت حجت حجت ہانت پیوستہ
کبتانہ دارالذکر دولت آباد **چارصد و ہشتاد و ہزار** اکنتساب اسبکا تفرقت
تقدی انباب ابافت **چارصد و ہشتاد و ہزار** تیسرے تہ تہ ہفت تہاد
منہم محتم غزبت سکتہ عبادت محاولت مطول **چارصد و ہشتاد و ہزار**
تافہ افتاد افادت فوت تویم ممشوق کسوت سکوت تلون متول
فرور کاستہ اعتیاد نکوی ملاطبت محمات المجتبی شاہ صفی **چارصد و ہزار**

هفتاد و هفت تریلم و نیت قوا نزل تجید مومات تعبیه فریاد متولی ^{اصحاب}
چهار صد و هفتاد و هفت تقدید تجیل فتح محضه ممتاز بافته نه شکاه ^{چهار}
صد و هفتاد و نه تانبول فاتح قناح انابه عطیت سر کوزه تعطاط ^{تطمین}
تجرب تجویج **چهار صد و نود و نسی** من من من تم ملک لبت لنتی
نیم هفته منقش میت تکم تقوید و دبیت هفتاد قناده بوبکر کورد ^{سکینه}
چهار صد و نود و نسی الت نما یان منات کیاست کاستی منقش کرات
طبیعت ملاذمت سرکاری اناده عالک فرزان مطاع **چهار صد و نود و نسی**
محمدت سببت امانت انما ایام بلیق اصرار حضرت کالات عبویت **چهار**
صد و نود و نه تنفه فحیه منیع جعفر علی مردم آزار **چهار صد و نود و چهار** تعبید
نقوح ندمن فاتحه محتمها بر مرزب مجالس تجانی دستکی انانی ستم
چهار صد و نود و پنج لغت مناجات لغت ندامت منجب نظون **چهار صد**
نود و شش صوت نوسل سلوت قویع مونت تومن تومن ملکوت یازده نوسل
منقوش همان جهانت متوکل مشعوف **چهار صد و نود و هفت** نوزیل تجذیف مان
منته فاری تیرسک بردهان ایچ **چهار صد و نود و هشت** محنت منعت حیکت

تعطیط مناهبت اصوات کیتی پناه صحت فرامان مردهند **تخم چهار صد و**
نود و نه فریبرز تعبیل نسلط تجویف محاص **پانصد** انوری ابوری اکسیر قصید
سلاط شر مرش کت کت کت کت کت کت کت کت کت کت کت کت کت کت کت
فر صبت علت نسی متین تمین منعی صحت لکت کت کت کت کت کت کت کت کت
لبین استخان **پانصد و نسی** ان نا نرا ارش ارش ارش ارش ارش ملاک نکلان مات
ستام سمات فراد آتاشی سهولت نکرسه صباحت امنی بیجا اکت
دلبره استاجو فرساق ناق **پانصد و نسی** اناسید اناس
تعب لعت لعت نستم ارش نلایسه اکفا لبین لبین تبیل منهر
پانصد و نه محتم شیخ حیرت اب جت بیخ انراب شاراب بارش ارش ارش
تجیم تنبان بنان مجلی **پانصد و چهار** کده رشند دقت نصدی نصید
دلک صدق سماجت **پانصد و پنج** شهر رهش شهر شهیل ارشد
راشد ارشد کهنه فکله استخار عدالت استخاله منته دهنه منقی
دون همت **پانصد و شش** مستجاب مکوم نویسل و سمت قوت قوت وقت
روش شور روش و شر شور سبدر در شب تونک وصیت کورت ار ^{شاد}

شاهر هراتی شاره اسنهر بدمت سرور اعتدال متاھے افتد فستبند
 حاجت مند **پانصد و هشتاد** استیصال عزت لذت شهرت توان وصابت سموات
 ایشانه اتافه میتوان سهامات بخاج حریف آزار ایران ملای **پانصد و هشتاد**
 مواسات مساوات تقوی بلوعت بعولت مخم حث تویمس شرح حشر
 حشر رشع حشر قوب شجره اوقوت اوقات نازوان ناطله سالار **پانصد و نه**
 تسلط استیجاد جتو شرط سطر شرط ثواب طلعت محکات متارح شاپو
 شوراب شوربا شوراب متاق مباحات مساحت حماسه متساح اعول
 کلابون **پانصد و نهم** شبر ریش ریش محبت سنت تلف دروش
 متین مناظر شری مکنت تمکن طاقت مسی قشم مانکده شجره جواز
 مسی محنت تلکی استمداد قریب **پانصد و یازده** ستان کسات مستوجب
 نقال نالفت الفت فلات مجاز شوره ریشور شوره شوهر شوهر
 رواشد متاع شقایق دیشاق کتمان مکات قباحت شیار استطاق
 حکومت اشراط کفایت ابلش متامل متا لملاعت **پانصد و دوازده** مستطاب
 حدث دنتب شهره جنبو شبیر برشی اتلاف طبقات آستان آستان
 انصاف

اقیبا آرایش بدروش عالیات مواهت عدل پرور لعن بار کلین **پانصد و بیست و دو**
 جتن جتن شرح رشحه رشحه حادث ثباب بستان بستان بستان
 ابنت متاع معاب بخیل منجلی دورباش ورزش بیکار شرافت مجیم **پانصد و سه**
چهارده تقییب رشید نفید دقتی شرطه احداث جماعت جماعت تبدیل بجا
 تجاش نقد باستان انتاب **پانصد و پانزده** نقیه شرطه معده ریشه شیو شیو
 شهری متوسط داستان شقیقه اجتماع متعجب مجاسات استیجا تلوک
پانصد و شانزده متلون قوی قوی ستون ستون توین سوری هشیار
 رایشه مستانه داستان معبد تنون مهملات ملامت سقیقور اطروش
 اعتماد شاه رور شاهور بدمت **پانصد و هفده** یاقوت وقایت غزلب مول
 ملازم قوایر ناسوت آستانه دبستان فلوک مباحث مداعت استیلا
 شاه اسمعیل **پانصد و هجده** شیراز شیراز شیرابه پیشرو حادثه حیث محتمل
 محمل متعل ملازمت ناقوان قدید معوب سیاد قباب شرح **پانصد و بیست و دو**
 حقات مخالف فلاحه نظم ناطف حسنات دارالفرج حواری حوشیر
 شری بوستان تعطیل تمییز **پانصد و بیست و یک** شکر شکر شکر شکر نعت

رویش معنی
 ۵۱۶

هفت **نسب** **مک** **مفق** **دورث** **بیت** **سین** **میت** **لطافت** **فیل** **مکین**
 کیمت درویشی کیفیت شراب **پانصد و بیست و یک** دوستان آستین ستونه
 فانیل نلاق **فیات** **تالیف** **شاکو** **شکار** **شمارک** **ملنان** **معتوه** **موادعت**
 معاودت تطبیق تمایز **ملا** **میت** **پانصد و بیست و دو** **مکتب** **حدیث** **اسکار** **سیت**
 اتصال استینا اعانت دستنبو شیطرح طباشر هویشار **ایلاف** **پانصد و**
بیت **وسه** **تجمع** **نجم** **صلا** **جمیت** **مجلس** **نجلیس** **تجلیس** **جسیت** **استینا**
 باین شکاب آشکارا شیرازه **استیجاح** **پانصد و بیست و سه** **تفید** **معدک**
 نحویت شریله شریله مغز، قوجواد اشکار **انعات** **پانصد و بیست و پنج**
 تفهم هفتم اعجاب دستاس فیله نغمه سویده ساگرد کتتم مفاجات
پانصد و بیست و شش **مکذاته** **آستینه** **ملون** **نعت** **شکر** **کشور** **روکش** **شکر**
 صولت وصلت صلوه استدلال ناستوره اعتماری مطاوعت **پانصد و بیست و هفت**
 مضاوله صلوة مصلات زرکش زرکش عزیمت زینت یاوقی برایت **موتان**
 استهلال قران علویین **پانصد و بیست و هشت** **مخلف** **مخین** **مخسیت** **مولات** **نادر**
 شبکور درویشی بیستون فرامر ابو الفتح شیرازی **پانصد و بیست و نه**
تلفی

تظیل مفتاح اکوشاه تطیع دستینه قران مخین جان الحطب **پانصد و سی**
 تعلق شمع سمع فتن تلت فکل مفض کلکت تفلک تظلت تکمل شریک لغایت
 ملک مکمل در طایر قطع الطربین درویشی نیستی **پانصد و سی و یک** **تقال** **فانک**
 قتال نلاق ناسع ساعت صامت صمات فنان عنایت سلادت ملامت سیاست
 فذکت کفالت شادق شکاری ملتانی تاسیر **پانصد و سی و دو** **تفصیل** **لب**
 تقب آقات القاتان اشکیر استلام استلا القاس لقب **پانصد و سی و سه**
 تقابل لباقت ملاقت مصابت نالب کوشوار بلیکان **پانصد و سی و چهار** **تقدیم** **صد**
 مفتوح تقلد شدین استدال الثا ث کتا ورز بخانف مجالست دولتمند
 دوست فزان **پانصد و سی و پنج** **تصادم** **صد مات** **منه** **نصفت** **سعادت** **دست**
 مدالت سرگردان شاه دادگر **پانصد و سی و شش** **تقول** **ومعت** **لوث** **لوث** **لوث**
 استدما تقویم منوبل مهاسلت مساهلت موتمن **پانصد و سی و هفت** **شاور**
 استمهال دارانکوه استجاب منارمت مولتان زرکشی **پانصد و سی و هشت**
 تحصیل مخفی تقییم حضرت ممتحن درویشی زرکشوزار کوشواره درازکوش
 استعیاد استعیاد **پانصد و سی و نه** **تظت** **تنظت** **منظط** **صلاحت** **کاروانل** **نظا**

پانصد و پنجاه و نه **هفت** **جال** **جما** **تظت** **محنات** **مناحت** **نصیده** **آباد**
 شاه کویلا **پانصد و شصت** **شی** **مصل** **فتن** **تغم** **نفت** **شک** **کشم** **مرفز** **فرض**
 احقان بیعت تمس نتم نیم لکری مکتب استصواب عاطفت ملا **طفت**
پانصد و شصت و یک **ثانی** **نقایت** **ضعات** **مناعت** **انطاق** **عانت** **نوشا**
 کاشمردانخور رواننده شرابان کافت کلستان یکاعت چارشنبه **پانصد و**
شصت و دو **سبکبکین** **سبقت** **نصیب** **پوسش** **سرسب** **استصحاب** **استنا**
 شطرنج اشاق امتناع شادروان منشی الماک بشیرجه بیت اللطف **پانصد و**
شصت و سه **حدنان** **پوشان** **شیربان** **ممشکار** **میربجز** **انفایات** **سابق**
 شاه روان **پانصد و شصت و چهار** **مخفاف** **نصعد** **نصعد** **نصعد** **نقدین**
 جنت ایله آتباس استیقا مسندین شهرای **پانصد و شصت و پنج** **کوشه**
 معاندت تقیبه جانستان مکرر مکرر کی شیوان تصاعد مرده شوی
استیجاح **پانصد و شصت و شش** **فرور** **توق** **سوق** **سروش** **سروش** **سروش**
 کشور شکور مشارک درویشی رشک ماه استیصاد چهارشنبه **پانصد و**
شصت و هفتاد **مواصت** **معاودت** **لوشدار** **شروانی** **ناله** **شناری**
 برادران

شیران ملک الوت **پانصد و شصت و هفت** **تقیع** **تقیع** **سروش** **شاه** **ایران** **منارمت**
 مصلحت **استمان** **پانصد و شصت و نه** **شیرین** **تظیف** **بیشا** **بور** **خوشام** **نقط**
 تقسط تقیظ **پانصد و هفتاد** **شعر** **شعر** **عرش** **شعر** **عشر** **عشر** **صفت**
 مصمت تقلیل نیم مثل مثل مفتح سریش شریک کوش مقل تلق ملتس کتیب
 مشرک مشقین شیرین مهرکش هندستان مکمل مکلف **پانصد و هفتاد و یک**
 جل المبین شامع ماسر شاعر شعر شعر اشعر شعار لثام ضال انم عال
 ثانی صفات مقلات مقال ملامت مسمال بیستان مفتح الابواب نادرش
 دانشوری **پانصد و هفتاد و دو** **بغ** **شرب** **اشعار** **مقلب** **امثال** **شیرینک**
 مقلات ملانات مترنم استعجاب اعکاف منانات اسمکان شهسوار
پانصد و هفتاد و سه **تخفیف** **باعث** **عاقبت** **عاقبت** **مطالب** **سپستان** **پدیانی**
 فرمایر شب زنده دار داهیا **پانصد و هفتاد و چهار** **تکلیف** **تقد** **تقد** **تقد**
 مستعد پادشاه دوران **پانصد و هفتاد و پنج** **نقانه** **نقانه** **دستان** **طینوت**
 رعه عشه عشره پادشاه ایران محسوات معدنیات مداعت مستجب
پانصد و هفتاد و شش **انقصاد** **صفوف** **صفوف** **شعر** **شروع** **عشر** **ملوث**

پانصد و چهل طلقت شرم شرم شرم سفت سفت تاقی مقرر عمری کسند
لیت معلی لغام تسلیم تسکین تعیین طمأنینه هیبت استعداد تکلیف
تکفیل تکلیف پانصد و چهل و یک مصاحبت قامت تاسف شمار مشار شاعر
راشش توسعه تناسل لیاقت تلاقی سعادت آتم لغات علامت معال لعالم
استعلا پانصد و چهل و دو تعلیب تعقیب تصبیل صلبیم مشرب مبشر اقامت مکافات
ماشا آرامش مصیبت علامات کوهستان امتاک اطلاعات پانصد و چهل و سه
قران فوش پیکاری مبارز مشارب بشمار قابلیت ملاعبت هلبون سعادت
تبعیح پانصد و چهل و چهار بیانات مرشد شریک دل ریش معتدل معدلت
تسهی معاجت عالجاب تندیت تعلید تصدی تصدیم پانصد و چهل و پنج
دستان کسسته مشهور مقدا تانده هفت دانه تمهق سفته هم صحبت
سرگردانی حفته زن قران سعیدین پانصد و چهل و شش روشم مساهمت شماره
اندستان نوم سفاقت مستولی پانصد و چهل و هفت ضوا شاه پیلادکر بکسته
مشربه مساومت منزل هدایت پانصد و چهل و هشت تخصیص ضحی صبابه محشر آمرزش
مشروب عنکبوت مسخیل تخلیق تمحی پانصد و چهل و ننه سلطنت استنبول
یوم البیت

یوم البیت مشق جون حاتم تمامی عطق مصاحبت پانصد و چهل و نهم طامث طامث
عفت خسر هیبت متعنه قیمت لعنت تعلیم کهنق مشیر فرورین لشکر مکتف مجت
تفک کهنق تمکن نومند پانصد و چهل و دیک تنان هفتان میثار مشاهیر
منات مستان مشهور منتهون ثنا ناشر قیامت مبعات سلالت صیانت
انیم معالی استقاده کون بلاق پانصد و چهل و دو کبشین اناث اناث محدث
محدث میرشب بیترم کوهستان معتزله منتجب نصیب استنا استبقا
پانصد و چهل و سه مشهد مقدس حبیبی عیوب نقابت ابریشم بیان مناسبت
برشان فصح پانصد و چهل و چهار مجانت تقدیم مقندی جماعت مقید مستند
معدد مشرح فتح الله ابتیاق انقباب پانصد و چهل و پنج فخره ذنادر تلافی دغای
شاه دیهیدل فرادرس ماندت حبب اعلا مرده شور پانصد و چهل و شش و شش
روشن دشور نقاقت استیقرار قوت توفیق تقویم تنویر مباحثه منافی
مستانه عالی همت شرب ناب پانصد و چهل و هفت استسهال نقاروت توات شریانی
شاور نوادر دشوار موادست سومنات صندوق پوش زنده شاه ناقصای
پانصد و چهل و هشت حیفت نبون هجابت بیضیت زمستان مست ناز شهرانی

توقع وقت لغوی مقبول مقبول مقابله مستبعد اعتقاد مصوبیت مشفقانه
 هندستان **پانصد و هشتاد و نهم** تواریخ اشاعه عاشور آنگون مقارنت شایه
 کونناک مستلزم **پانصد و هشتاد و نهم** محضت قحطی صحت شیرزیان مقویت
 عاشورا جنات عدن فرمازدا تصحیح **پانصد و هشتاد و نهم** بواعث قطع
 مفضلن همنصد صاحت پر سیاوش تصالح بشارت پری آت زمان **پانصد و**
هشتاد و نهم شرف فرس شرف فرس فوق شعیر شعری شرفی عرشیه
 عینی پور پندک مرعع سرینک سرینک قنقن مقننی کسلسل بدشکر
 تالیس قنایع تلمیم تعلیم مشفقین شیرینی قوی دست **پانصد و هشتاد و یک**
 مقاومت اشرف شرف دراز فثار تفاق فائق عیانت صاف مناسف سا
 شعایر منابر شرایع سیستان معاملات **پانصد و هشتاد و دو** معاملات اشرف
 اشرف بیمل تعقیب اتفاق انفراد انقال مقامات معاملات اشرف
پانصد و هشتاد و سه تلبان عقربند بشارت بشارت کوشاب نوح **پانصد و**
هشتاد و چهار تصفید تمهید تعقد تدفق مقدم تبصیر فخر در فخر
 شاه سلطان حسین فایح **پانصد و هشتاد و پنج** شرف شرفه اشرفه فثاره تفقه
 فضتی

تفتن تفسیله کواشیدک آب افشار **پانصد و هشتاد و شش** توقف قفوف فروش
 شعوری لغوی توقع ذمیت توصیف وصیفت قفاقت هند رستان **پانصد و**
هشتاد و هفت اجبوط قنایق نونای قنایق عرق ریز اقیون خورشید
 استغنام مشارالیه **پانصد و هشتاد و هشت** کون صدای بیرونی سید پلنگان هاشم
 صحیفه تصحیف مخفی دارالافتا **پانصد و هشتاد و نهم** قنایق قطع فخره اتم الراجح
 مناصحت محضات مسالحت احوال فرج زین زبده شعر **پانصد و نود** قنایق
 ثمنی من شریف کسنتن تلمین قنقن شفقین نسو اشرفه استعمال
پانصد و نود و یک قنایق نامن ثمان اشرفه خراشیه شریفا ملاعت قنایق
 قنایق منشار سعادت بیع شرط بنامر محمد الزمانی اسکندر در **پانصد و**
نود و دو وصوت منقبت انظام اتفاق قیلین اعتماد الدوله سلطان العالی
 منقبت استعمال التاق معانات **پانصد و نود و سه** شرف یاب شعریابی شرف
 علامت یکی سبز بستان حیدر کستان جباطه دستک میا شرفی سرور و صا
پانصد و نود و چهار استقبال تصدیق تدبیر مستقیم فرشته فرسید منهد
 کونگن **پانصد و نود و پنج** فرسوط تقیه تفضیح تشریه کشفه صدایت قنایق

در این کتاب
 در این کتاب
 در این کتاب

باشند و نور و شش انصاف توفیق توفیق کلوم منشور مستوف بکون
 فروردین ماه استعداستعداد **باشند و نور** هفت مساوت سکه هر هریس کاج
 سرور اسلام **باشند و نور و هفت** بیع و شری محفت جبهه کن سرور اسلام عقرب
 کیران استکان کوریک جنیم **باشند و نور** و نور شش شش شرقی شکر شکر
 عصمت تعاق تمیق عمین شش ششم تصاف بفقن مستم کوش **شش و یک**
 قنا شارق شاه مران سرور کونین تار ترا شاش اخ اشقر راقش قرقر
 عشوه کر مانشیر **شش و دو** و مقصب ترب ترب پنج تبر تبر شیش اشراق
 ارشاق اشقاق استعمال معاسات اعصاب استیناف متعصب تحریقه **شش و دو**
سه مستعمل خطاب سخج جیا جی جزیت جز نامب برابر ابی راب تراب برات
 بنار مبرجش بناش کشکی **شش و یک** شاش شایح حاج خدرخ تاجر تاجر
 جرات بخار اجرت اجبا بصدیق تدق متقدوس **شش و پنج** خه ضا زه ناراک
 بیج بر تاب بجزر متصاعد بنت العینا خاد آرخ نابیر کلیات سعدی معنی
شش و شش ادارت ارادت استفسار حرد و رور نور روت هراه شاه
 توبه تدبر بدش توفیق مشوی سب قدر **شش و هفت** خر اوخ واخ هفت
 و نان

کوان استان کوریک جنیم **شش و دو**
 ضا حق شریفه کلزار ام بالاعتماد

وثاق وثاق رتبه روات فرار عجزه بخدر نقبه شاشو بادرت باهرت برات
شش و هفت ابتراد محقق مستحق کلزار فرودس عصت پناه خلاج ارجحاج
 پوشش برنو بروت هجرت تخر فوج خوب **شش و نه** جوشش ازارت خواب
 خط راحت باروت ناچار **شش و دو** و تقسیم خطایج تیر ری خود خود دوح
 یرت قریش قریشی شرخ شرخ شرخ شرخ شرخ شرخ شرخ شرخ شرخ
 صنعت معوق کثیف معصیت تفصیل مثل مصکف تجربه مستمع سرشیم جاشو
شش و یازده تقار طبع خط خرد خطب رایت لهور توده سوشه هائل
 معشار معاشر جبروت برتاب شافع بیوم الحساب تفاصیل نار سقر مرهون
 شهنای مستانی من ناحیف نقابت پناه **شش و دو** و زده پنج جنه بدخی
 طباح خطاب خطاب استمان وثوق واردات زاجرات خواه جملت برت
 رایات هاروت استعفا مصانات جارحت ابوترب فرودس برین **شش و دو**
سیزده معافیت رایب خایب بخیر تری رایب رایب تابیر تادیب ارتباط
 متعابد نژودان ابریشمین رهبوت برهوت اکوم الاکومین **شش و چهار**
 تخر ترح ستردن ترازو تراور مدارت تاجر حلال معتقد خطه

ششده و پاره اندود طوخ شیشه مقاعدت حواجه نوره قیر درایت طهارت
طهارت بتبریح تجیر مصادرت **ششده و شانه خوی خوی** خطبه خطبه خایره و
طراوت تدبیر مشروع خواهد شانه سر مشاعر متوقع دوات **ششده و هفت**
رطوبت خیز درونخ رزیت روایت تجرید روشناس تجرید تدبیر بتبریح
سزایش خدیج احتراز دارالسفا دارالسلطنة اصفهان **ششده و هجده** لسان العصفور
خوب بدخواه حقیقت تحقیق مبعوث آریخ حیرت مخیر تودید سبویش
زیارت حشیش مستحسن پتیاره طریح تجیر **ششده و نوزده** شاه بنروز
تظیر حیط خطه خطاط تبریز تجیر شاه سحر ابو معشر روشن بیان **ششده و بیست**
ششده و بیست منقل نظایر ترک ترک کورت مفرش مشرف مشرف
خاطی حیا طحطوه حدیو خزید جناری آبخیز کشت کشت نصفت تدبیر
قرنچی ربوبیت شریکین **ششده و بیست یک** مستعان کاخ خاک تارک تراک
کوات استطاق خزید جزوه خطیب بطیح طیح تجیر تقائق و قیامه
نوریه متاصل دادخواه حصال تقائم استعطاق **ششده و بیست و دو** برکت
تبرک کربت بنکی بدخوی بیخود صافات استقلال استعصا **ششده و بیست و سه**
اتراک

اتراک اکرا ارتکا خدیجه **ششده و بیست و سه** عمر زکوش تراکب بکارت بتارک
بتارک کربات ترزیر ثغان بتراپی خواهد شنه انگیز نوشیروان **ششده و**
بیست و چهار نظیر خطوط کجرات ارتکاب حدک نکرز ترویج تجیر **ششده و**
ششده علم آفتاب **ششده و بیست و پنج** تربط کتر کوند ترکه ندرک خایید
تراویج شاه شهید آفتاب عالم **ششده و بیست و شش** مفاصحت عیشوم حرک گوش
کواحت کتاره خزیده واجده مفریش لغت **ششده و بیست و هفت** نکاور
فراموش حواک مردم چشم خایر و به دورخی زن صفت **ششده و بیست و**
هشت کبوتر متحرک حرکت حیرت استقواس کاف الماهات **ششده و بیست و نه**
تظیر کدخلا بتبریح نذیبا خطا خطاطی سعادت مند خطایط دافع البلیات
ششده و بیست و نه کیش ترک حدوک کدوخ خاییده خطایط کدورت
تضییف تضییف مستقل منتم عترت تقصم خل خیک ثقل **ششده و سی**
یک مصالحت حال خلا لایح تریاک تاریک کیرا کتایش عیشان شعیر
ثقال **ششده و سی و یک** مجل بلج جل خل کتوره ترکیب کورت تکیر
پیشکش تالار افعال مستقبل بخودی قویچی باشی **ششده و سی و سه** رطبت

بسیار

شجرف بر تال پراختان تراکب موقوفات خلج مجل خیال خلایق **شصد و سی و دو**
جهار خلد دخل خلد زجالت **شصد و سی و پنج** داخل خالد مصادقت خرابگاه
 ارنجال **شصد و سی و شش** توکیر حوله خلو ادخال میفروش امر معروف ام کلثوم
شصد و سی و هفت خاورد خالوا فراموشی **شصد و سی و هشت** رحلت کبر ترجمه بدر کب
 برانند بشوش بوظل جنول **شصد و سی و نه** خلط لطح خلط طلیخ نثرین جهان
 دارالامان کربان **شصد و سی و ده** شمش ششم اضلل مشرف مقشر خلط خم خم
 مخ خیل تر فسق دخله خلوه فقیل بکوک معصم منفعت ارتحال تکیه دار
 مستعل متعلق فصلصل **شصد و سی و یازده** خام ماخ خیال خالی لایخی اضلاط مرت
 مرات تمار نامر مشادق مشاش کناکشن سفارشش تناقض تریاک تاریکی
 ملازمین قل عام **شصد و سی و بیست** عقب عاصفات بتیم انقاص مجل بلخی
 مقبر مرتب امانت فلك آستان **شصد و سی و بیست و یک** مرتب مجیل بیجاال خلایق
 مجلی تجرم **شصد و سی و بیست و دو** مدخ حدم دخیل خلید نمره مرتد تدمر ترمه مرتجا
 مبارات زیارتگاه جانیق **شصد و سی و بیست و سه** مظهر مظهر رهت خدام دماغ
 خادم شعلدار تب ولرز معتبر شماد خلوط متعلقه شمشه **شصد و سی و بیست و چهار**
 مدارات

مدارات مهارت خامه مشوش فیروزم نادرالعصر دهمراه **شصد و سی و پنج**
هفت مدارات تمیز خرم زخم موزا ماروت نامور مرتبه لمعتم مداروت
 بیت المقدس میوه فریش پای نشون **شصد و سی و شش** مدارات تمهیر
 رحمت حرمت زخم ترجمه زلیخا متروک متحقق **شصد و سی و هفت** مدارات مهاجرت
 مقطر خدمه دغه کد خلابی رحلت **شصد و سی و هشت** مخرج نخ خیم خن خطام مخا
 مستقیم خادمه شکرک احرام مشرقه مهاجرت متسع الرجود خراب الود
شصد و سی و نهم استنین خان مطبخ مخط حای خیم خیم مصادقت تا
 بیمار میثاق شفقار دیولایخ غابین **شصد و سی و ده** انارت جنین مخاطب
 زخمه بخینی مخواه استقصا استیقان ارتکاک انقشار **شصد و سی و یازده**
 مداروت مجرم مجری ترنج حبان مخرج خنج موزخ شعراون مرپات **شصد و بیست**
بیست و یک ناخج تمهیر خند حمید ندرت ندرت دین دین دین دینک
 متروخ مظهر فرید عصر مشهور زبانه محذو **شصد و بیست و دو** بخ خادمی تیره
 جیمه دخان **شصد و بیست و سه** ترقیم تیمور خون خون خانر کلوخ مجند ناخدا
 محاورات تراند نیرماه تنور **شصد و بیست و چهار** هفت کاسه درویشان مویش

مطبوع موريات متواری تواری زاننت زنج زخم خون مصنوعات **شصد**
پناه و هفت مختلط خزان خازن خندو معجز عصمت پناه بیروت **شصد و پنجاه و نه**
 خنده محطه خطی محطه حیط خمیده دارالفرج فرخ تویله دار **شصد و پنجاه و نه**
شفت رطانت زربانت شهفشه حنی خلل رست ستر نرس نرس رست
 نخود کشمش **شصد و شصت و یک** مکشاش تنوره سفاسنار ساتر نرسا
 آستر استر رات خلل کما خان خینا خانین شاهنشاه شهفشاه شیر **انگ**
 شنوشه کلشن سر منفصلات عثمان مهندزاده مهند ادبی کافر زنجی درخیم
 کاخ **شصد و شصت و دو** تورون بیخ پرست پرست ستر پرست ادا
 استار شاهنشاه کرامات منکب **شصد و پنجاه و سه** خزانه مخود آب
 راحتجان خواهان حیانه شاه شاهان متراکب مرتبات پرستنا تجرین بخنج
 شعرا فی **شصد و پنجاه و چهار** تشر درت نرسد ستره حبارت دهر کثر
 خنابه خیابان رفیع قدر آسمان آستان استبر اربناس ابنار رفیق سفید
شصد و پنجاه و پنج تدریس دستار اربناس استوجا استجار رستد رسته
 نرسه ترکه مترکه خداوند و خنده درانت **شصد و پنجاه و شش** هفت آلم
 اسکانه

کوهر کتی

استدقاق تن پر خول خوف معرک استره ستر ستر ستره **شصد**
شصت و هفت سعرا روستا وارست اراسته استاره استهل بهترین
 زبده الکوا یوسفنجان بخیز ربیعان الشباب **شصد و شصت و هفت** استدار
 حرقت عطر لیسر تجریم زبده اکابر خدیو خاندار خیران خزان کوما
 استوار **شصد و هفتاد** نه خم کده سخط حرارت حرارت استهاب تفرین
 کسرتوه سیره تند استر اباد استدر اراج **شصد و هفتاد و هشت** استجار سخی
 خک خک ملخ خلم ملخ سیخ خلیس خلیل سپرت دستور دستور
 استوار میخک استحقاق **شصد و هفتاد و نهم** عراف استظار ملاح تشر
 ریاست راسته ستار **دو** ستار مقال خود کام سکار نکات ناشنک
 نقشه دیوار **شصد و هفتاد و دهم** رعبت رعبت رعبت تربع تربع عبرت تربع
 مخب سبارات استیار خزینه شاهنشاهی **شصد و هفتاد و یازده** تجرین
 تخرج رعبت ملاح نوزخ تجرین استراج عبارت عبارت پیرات
 زبردت **شصد و هفتاد و بیست** مخله مدخل تربع خرنک تدریس تدریس
 تخرج تراجع تراج اعتبار عبارات پیرات **شصد و هفتاد و بیست و یک**

ملاخل ارتفاع دستار و دستار خدای و عارت روحانیت **شصد و هشتاد و نهم**
 تسویر نورین نورین عورت قوتی روعت همول خبیب بر سبید خاکدان
 و احصا شاه شهیدان **شصد و هشتاد و نهم** عورات زرع و راعت توانکی
 زردوست ولی المقتین پادشاه پادشاهان **شصد و هشتاد و نهم** حریریه روز
 پیوسته **شصد و هشتاد و نهم** قطعه قطعه خدعه استرلابی **شصد و هشتاد و نهم**
 خف نخل خشک رفت رفت روعت ممشش نکر کتو سترک مرعت
 منقعت عاقبتها ابوالاظلم **شصد و هشتاد و نهم** فتناش خفا اخف خاف
 رفت رفت مرات رعایت عاریت رعایت سکرات زبردست مثالی تبرکان
شصد و هشتاد و نهم برکت انقاص اخفا تربع عریب انرا مامون الرشید
شصد و هشتاد و نهم قریح قریح قریح قریح رعبت مترجم **شصد و نهم**
هشتاد و نهم رفتی کتو ترف ترف ترف ترف طیبان لاجبت خاک انداز شب
 رباعیات استنبار **شصد و هشتاد و نهم** خند رفته ترف رفادت ترادف وادفت
 ترادف دفاتر خیله مخلوط دستار **شصد و هشتاد و نهم** استدرک خوف نشو
 صور قوتی رفاهت رفاهت نیکو حاله خداکیان **شصد و هشتاد و نهم**
 استکراه

استکراه خرف توانکی روستای **شصد و هشتاد و نهم** وادوات مرعت مجری
 پرستوک خرف عورت فرعت ماجولیا **شصد و هشتاد و نهم** خطف حرابت نظر
 قطرت زربعت حیرات وادکتو نبارک الله مکدر پداز دیدار ویت **شصد و نهم**
نود و هفت خیف خیف سلخ عیم عیم ترم ترسل خاطف ثعلبن رکعت نزع بالاد
 خدوم احتراف **شصد و نود و یک** تراسل خالدون خاص احض سلاح خاف
 خاتم مناخ رسالت خایک فی المثل رکعات تراکع بیتا حرم **شصد و نود و دو**
 ملک الشعرا فرمانفرما بقبر ترفیع اعکار سرافشان ایقان بیتا الحرام استعفا
شصد و نود و سه بصارت قیصر قریح قریح محیف نقاب بلند رتبه **شصد و نهم**
نود و چهار شصد تودیت ترفید ترجمان تصدیر تصدیر کیوان بقدر دستگیر
 ابصار **شصد و نود و پنج** خالدین منتهی مرتفن خفیه صدرات استرجال
 تروان شرفهم رفیع القدر حظول **شصد و نود و شش** سبوح تصور صورت
 خاصه خانیه خایسک کباب عجمانی رفاهیت قویتر هم آهن خادمان **شصد و نهم**
نود و هفت اهتمام تحریک خراس مجاز اهل سخا امانت دار **شصد و نود و هشت**
 حریت قریح ترفیع مجنون لوم الاشیئ **شصد و نود و نهم** قطعی قطعی تقریب

طله جاودان **هفتصد** هنم رت رت شتر هنس هنس صغ صغ خلع فکرت
نفر کفر کوفت مکرت مستوم کلنج کلنج ترتم رتم رتم سترن مرس عرکت
تقریک تکی ترسم شاه مالک تباب امیرالمؤمنین صید **هفتصد** ویک آتشی شتا
اثر اوش قرات شرار ناش شات ناخن رامین خامس سماخ حماس راتوق
خلع خالع فزاک کفناز کفناز شقراق آماج خانه دولت سر خود نما کلاتر
هفتصد و دو ارتاس ارتاس اذا پشت پیش پیش شبت آثار ارتا
اشرار ارتقا تریب تریب صحبت لا آرتیمان دویس جیدر دارالسرور
هفتصد و سه تخر رنج شتاب نابش تابش شبکات قرابت نظارب رقابت
رقبات **هفتصد و چهار** رانج نظیر دست شدت قدرت چاشت ابدا مسرور
سردوم اثبات مستاجر **هفتصد و پنج** نقره مزدمت مدارت هشت هشت
سلیمه جذب ذباب داشت دنار حنه بشتاب شب تاب خندان فرقه
اجزا **هفتصد و شش** نور نور روش روش رستم جذاب جذاب امتدار تصویر
شاره مستور **هفتصد و هفت** روزنات تضایر هبت شبیت شهرآرا ذهب
تشیب وارث زشت اشها شرار لیل البدر ذوا **هفتصد و هشت** ذهاب
ذاهب

ذاهب کتده شباهت تشابه تصریح تخریب رثوب بشود تخرق ترقح لوبیش
پرورش متردین مالک دورخ **هفتصد و نه** باقوده طفت شهند دهشت هشت
حذارت حواف قمرط قمرط حارث صترام اعلا رتبه ارتواق اشباه اشباه
هفتصد و ده صبح سنخ رب سنخ سخن تریخی خلف خلف جنین ترقه رتبت
جذبہ اعدا شهادت هشتاد مکین کوفتی استمداد قطرات قطرات احتراف انتراج
نخجوان کفر بچہ بیچ جهنم برم عثمان **هفتصد و یازده** حبلد این تریا بلشت خلفا
خلاف مرامت عمارت ناسخ خناس سناخ ورثه شہوت آتشی آتشی ذابح تو شد
تریاق جاذبہ حاسی آتشی باز ترسان مسنوره نرکان مسک کتا **هفتصد و دوازده**
ذیب اینا یثرب بشیر تقریب شہوات معقب مرغبات عمارت زخندان تان
ناراست **هفتصد و سیزده** ذیاب تقاریب نجس روز صحبت **هفتصد و چهار** سردن
منعده ام الکتاب بخاشرف حت سل هبت ابد رحمانه مرهجت تقدیر و حش
توضی نیرنجات مستدر **هفتصد و پانزده** قاندرات فخر فخره داشتی ارد
نادرست ترنجین **هفتصد و شانزده** شاه کین سنوخ سنور ستون شتوی
جورج هیاتت معاہرت شہیار اروستان حزانده قیوت تو قیوت

هفصد و هفده استنهار استوهان وثابت تشرهفتی هفت پکی یوسفانی
 قحط فته آتاق سده خانه زشته **هفصد و هجده** عالم رببه ترتیح تختی عزیزی
 کشیدید شدیدت خندیدن زنج زدن زنجوان شهزور نوشزوان عادل حلاب
هفصد و نوزده حسنده ذواب زبجاه قطری تقریب طریقت نظریه لهارستان
 ترسده شوره زاره **هفصد و بیست** طینار تبیح کت کت کت حاصل ذیح
 عشق توفک شعلیق تقیر ستمک سخن تاج شاه **هفصد و بیست یک** اکثر
 خالص خلای خصال ستمکار زکا آتک کاست تاشک شهر لور مسکرات
 خانج پرستده چاه نغذان **هفصد و بیست و دو** کذب اکوان اکثار اکثر اخلاص
 استکرام ستمغصب ناراستی طایفه ورنج **هفصد و بیست و سه** کاذب کذاب کج
 بودرستان شراب ملور خدیوزمانه **هفصد و بیست و چهار** حبیبک توحیش توشیح
 متفرع عزیز سنده **هفصد و بیست و پنج** کشته کشته کشته هتک تویط مراد
 خلیفه تویطیش ملک التجار **هفصد و بیست و شش** خلوص شوکت کوشک کوشک
 کوشه محضوف خلاصه حالصه دعوت و حجه شهر باره **هفصد و بیست و هفت**
هفت کوانت و بیروستان آتش باده انکاد تمحیط حدیوزین در درج
 هفصد

هفصد و بیست و هشت تیشیح مالنجلیبا خون بیس هزارستان شاهزوزعزاف
 نو انکوان نوشزوان عادل **هفصد و بیست و نهم** مباربه آب کوشه هشت ایوه **هفصد و سی**
 نفع تفر خلق خلق ختم نفرت نفرت سرعت عسرت فقر حبیبی کشته کشته
 مکلدون مترم آتکده دل میرفت **هفصد و سی و یک** ذال خالق خلاق صامح
 حصام شکایت دتاکه آتکک تالش تلاش شائل نفاخ صاریت ترسناک
 معارت تزان تنافر تعاسر **هفصد و سی و دو** معصرت بدال اخلاق کان سحنا
 مرسلات اعتبار استیبار خدیو جابانک **هفصد و سی و سه** بادل ذبال تیشیح
 محتوفه متفرع مسابرت شکر بده بلند مرتبه **هفصد و سی و چهار** جلزا ترفند
 کیوان مرتبه رفتند تن زده مترصد سر دستے رشک حور کیتی ازین **هفصد و سی و پنج**
 هتک زهل کوشک کوشک کوشک مصادرت استزجاج **هفصد و سی و شش**
 خلق سخنی خلیل الله مصاهرت ذاهل بدخلق نخل بند **هفصد و سی و هفت**
 بدله مواهرت روشان ملک ملک رتبه شکرین کوشک استعاره **هفصد و سی و هشت**
 زحل ذلول تزیان تده بار **هفصد و سی و نهم** شفا هنج ترفند
 شلخت برکسرتان میرفتاح محاصرت افلاک مرتبه دست کوان **هفصد و سی و ده**

سفرت دم غمشت شمع تهر ذیل فتح حفا قرین صورت خلیق شاه کار
حدیو چمانیک محنتی حصبی شویکی شعیر **هفصد و پنجاه و یک** ناصو ماریت غمار
ماثر فرات سفارت خلایق ذهولک شام شامت لریسان رشوه کی
هفصد و پنجاه و دو وراثت اس مرتب متوب رنج انان عاشارا لاشاد اثار
هفصد و پنجاه و سه بنت اکرم مذاب مقاربت متقارب مراتب مرتب تحویل
هفصد و پنجاه و چهار مقصد اهل بیت رسول هشت اول حدام **هفصد و پنجاه و پنج**
هضم هزمت هزمت نمره شعشع زده مفکره ذوانیت متفکره هفت سر
هفصد و پنجاه و شش استفراخ خوف ماه کنت مورث سنهات عرق بید مشک
غلبندی **هفصد و پنجاه و هفت** مشبه شوات مذهب مذهب اهتمام با **هفصد و پنجاه و هشت**
پادشاه روزگار **هفصد و پنجاه و نهم** مذاهب هفت مواشات متنازه مشابته
پتو عالم **هفصد و پنجاه و ده** مشهد مشهد حارث طالب هشت مخدوم جهان
هفصد و پنجاه و یازده اهتمام ذک ذی مدی رفعت ترغ ترغ مشیت تمس
تفسیر سخن فرستاده **هفصد و پنجاه و بیست** محذوب مادی اذن اذن تار حنا
خانی عرفات میراث استظراف دان مخالف تعارف رادعت ترافع مشاکلت
ذاتکلی

تفائل مترسان **هفصد و پنجاه و بیست و یک** اذان ذنب ذنب بنشت ناشنا خاقان
استهسال استعصا ارتفاع اعتراف التواضع اعتراف تفاوت **هفصد و پنجاه و سی**
برایق محترقه ذواجده بد مذهب کی رفیق تعجب تجسیم بخند ذناب شقایق الوفا
هفصد و پنجاه و سی و یک ناجذ خندق حستان ارم انبات شاهان **هفصد و پنجاه و سی و دو**
هفت رنگ ذهن ذمیه دو خطاموک مرثیه نوره داشتق عنب العطب **هفصد و پنجاه و سی و سه**
پنجاه و شش شفا هکذا لیسث ذنوت ذنوب نور مودی خانفہ مسووح
مذوب سلتوک نادارت کثورکی **هفصد و پنجاه و هفت** اذهان ذریعات
مذهبی رنج و محنت ژوان اولان شمیم خانقاه خانیق نوازش ذی الجهد **هفصد و پنجاه و هشت**
مصارف بیجهیم آتش بجان **هفصد و پنجاه و نهم** ذنوب ذنوب بیخوش مستوفی الملک
بیت اندر الحرام حشقی **هفصد و پنجاه و ده** پشتوان ابا شمه محاذی ذوبان
سایحت متاخض آسمان رتبه **هفصد و پنجاه و یازده** مخم تقربین قرین تعریف تعریف
عزیت مخلص ملخص شت سست سرت ذنوب حنین طهورت لیل العطر
بوسان ارم **هفصد و پنجاه و بیست** اذین ناشطات فلاحن کاشت شکات کباش
مکثار نوشته سرشار همورنگ موزیه داشکر فریبات سکلاخ **هفصد و پنجاه و بیست و یک**

اجزایش یکیت بدوز بخورد برمی **مغزی هتصد و پت** الفش خالجر جین بخورد
 پضا بیاض ایض شبتان روشن روان مزاجی پیاز **هتصد و چهارده**
 حوض صغی مزید مزیده خور و خارجی **هتصد و پانزده** تاویت خور و حیره
 خور طخور خورده خاربه تشنه وضاح واضح فزینت **هتصد و شانزده**
 خراطر ذابقه ذوقه خورده صغی استناد تشاسته مخلصانه **هتصد و هجده**
 صادی صوای صغیج بصینه صابطه شفالو هبت ستم حوز آب قدح **هتصد و بیست**
هتصد و بیست و یک صندید بیوض حوض صغی حیت مخرب ضوابط اصحاب
 شاه عدل رود **هتصد و بیست و دو** متویج حابین حیاض طبر حزیده تحیات
 اصنی شاه دارا و **هتصد و بیست و سه** صباط هیضه ایضاح وضوح تودیت
مغزی هتصد و بیست و چهار صبابی تکار شتاعت نارتک اصیلا **هتصد و بیست و پنج**
 مفارقت مفارقت مرافقت مشابعت خردیای **هتصد و بیست و شش** و اذعان
 مکذبین انعامش اعتنان صواحه جبری ناشایت کبت **هتصد و بیست و هفت**
هتصد و بیست و هشت کاتب سنی صغی صغی صغی استانه شاه **هتصد و بیست و نه**
 تریج کتاب و احاملات و قر روی خوب شمع رود **هتصد و بیست و ده**
 تریج

تربیت ضراحی مغزیه تشبیه تشک **حرکه هتصد و پت** وش مشافت خرباه
 مذوم محضی **هتصد و پت و هفت** بدینا امام هتم خوب دیدار شکیان
 شریفیه **هتصد و پت و هشت** حکما **هتصد و پت و نهم** حیره **هتصد و پت و ده**
پت و نه صل ذوق تشیح شکنت کمحضت **هتصد و سی و یک** و نشات نایا
 شتات نافذ نفاذ شتاق ضال حفاک کشتیان **هتصد و سی و دو**
 خافتان اکتیا افراک تکیب انفاذ تکیب **هتصد و سی و سه** و دیوان خاتون
 خویای آستانه شاه **هتصد و سی و چهار** و کاک روبه محذوف صوک خوجان خور
هتصد و سی و پنج فصل صواک روان بیستوه **هتصد و سی و شش** و تلت
 تکت خالدار حویله **هتصد و سی و هفت** تلوت مقصولات ترکیه **هتصد و سی و هشت**
هتصد و سی و نهم فصل محات خردیای **هتصد و سی و ده** و طغای بیایه **هتصد و سی و یازده**
هتصد و سی و بیست شمش غف ضم حرم حرم مخر مشق مشق متعین مستصر
 منذک شریعین شاهنامه حکیم فردوسی رکن شعر **هتصد و سی و بیست و یک** خانقین
 حرام حار جار حار حرا نظام مذاق مشاق حرارت تیبال **هتصد و سی و بیست و دو**
 مخبر مخرب متجو اصفا تا اوله استقام مکاشفات استفا **هتصد و سی و بیست و سه**

صواک حواله خالجر
 صواک حواله خالجر
 صواک حواله خالجر

در کتب معتبره

مخرج نفاصت تخلیت مجرام **هشصد و پنجاه و یک** **هشتاد و یک** آتش مجتم خارج صمد
مد **هشصد و پنجاه و یک** هر مد رخ هضم شده نته نیت ضاده **هشصد**
چهل و شش شمشور قوت ماه رخ موی مورخ مجوز قوت ولایت بلویت
لغوم **هشصد و پنجاه و یک** ماخذ مضمون تاوت کاسه آتین کزورک **هشصد**
چهل و هشت خم باره همض حرم آباد تخلیت ذراع همض مجوز مضع مجض
کثیران **هشصد و پنجاه و یک** حاض حاض ماض ماچه خر مخرج ماه فرزان **هشصد**
حدیوداد **هشصد و پنجاه و یک** نقد مضع ذوق حاضا مریج خیر عزتی شفع شمیر
مجمن **هشصد و پنجاه و یک** ماض شفاعت ناخر صان ناض ذغان هاضه آدم
شیر شام حار **هشصد و پنجاه و یک** درین صین نضب انفاض آدم حوار شیر
هشصد و پنجاه و یک سخیخ بنات خابن مخرج دوم **هشصد و پنجاه و یک** آتین لباس
همض نقد هزارم نباتات عدالیم **هشصد و پنجاه و یک** هضم رضم محروط
خرطم همیره خرد ماه حرامض ذوالاهسان مجزولات **هشصد و پنجاه و یک**
خانه مجوز همان ناهمی نکات توکلت مخرج دواب **هشصد و پنجاه و یک**
انماض مضبوط مجوز ناض حوران حوریم **هشصد و پنجاه و یک** مضمی مجمن
نخ

فتح تن پرور آدم خواره **هشصد و پنجاه و یک** صنوبران مخاض مضاح ناضح شراب نیش
هشصد و شصت و هفتاد سرخ حزی حزی نغین حوزون خرویم شفیع
هشصد و شصت و یک احمیس سرایت نادل راسخ خاسر حصار حراس داخول
خزیده **هشصد و شصت و یک** احصار انضاح استکان میخواره هشت پنجمین آنگا
اصلاک لغت **هشصد و شصت و یک** بیضان پنجه مکاتب سچاب پرستار **هشصد**
جوخ دوم کلانق اناک **هشصد و شصت و یک** ندبیت حوزیده خرد دان ایضا
مکاتبات نضید **هشصد و شصت و یک** استجار قلبت هضمی سخره طبرجک دستلک
بازداشتن **هشصد و شصت و یک** حوزیس روسخ حوزور حوزور سوزق استوار
مخوری رودخانه عرش و کرمی ذابالعین **هشصد و شصت و یک** و تزیت ترنیت
استجاب سورخ خیزر حزیب ذوالکفل طریخانه صنوبر **هشصد و شصت و یک**
خیزران تخلیت نضج مصلک حوزان دار لولوفسور **هشصد و شصت و یک** ستاحت **هشصد**
روان خزه روزخون پریخون **هشصد و شصت و یک** صلیل مغزل استجار سرجی سرخی
صنک مخرج ذیف حواطین مشلق **هشصد و شصت و یک** و هضاد تاسیت خارک
ضناک خرده بین **هشصد و شصت و یک** بعضی وضع وضع نبع الثام استاحت اعصا

میزاب **فصد** کما فعلی شاه خزروا دارای جشید سکوہ خرمندہ بنارات
انبار انبار درشت خدش خدش انبات نبات الفش **فصد** بنج
دو رسته رسته سحر شادخ شهرت شتره حرقه خزامدک **فصد** شش
شوخ خوش خوش طهارش تراشه صبریت دولت برت نصویت استدا
صبا الدین خمیرمایه تنور رشوت درد **فصد** ناهق مذهبناحق **فصد** هفت
قبضه برشته شتریه اشهار ارهانش استهانت شادوت فرجاک شتریه
سپه **فصد** هفت **فصد** هفت بکار حذر ترشح قوی ثبوت دروشت باهظ
فصد آذرآباد آذرب خدشه طرشت خنشاب **فصد** حراش و شحات خراب
ثواب **فصد** حراش فضل شیخ حیش ضیق تقریر کاسرخ تمنع ترشی شرب
استماع استماع خدش تکفین ضیق شطارت **فصد** یازده اصق و ضی
خوشه خزان خراسان شاه تره زردشت اشطاط هوزر تاریش کشایر
افضل فاضل **فصد** استغناء افضل **فصد** انقائت بشر جزیرت
طبی جاحظ محدث قضیب مضیع استغناء خراسان **فصد** نزه
تشریح تغییر نبات قاضی متابعت حالت تابشیر مضیع **فصد** چهار

مظور

مظور خدوش احتیاط حادثات تابستان استنابت بیدار جاشیه خرسند
خدوش **فصد** یازده ناحت ضله قضیه کشمیر تریشه **فصد** نازده خوشی
شویی خدوش شوخ سخن و رضول موضع تنور نوریش درشاخه نور
مخسید بدخشی رویین خم زردشت **فصد** ناسخون ترشین مواضع آمانت
نحت ناچه خزامدک آهو **فصد** هجرت ثواب ثواب تشریح ترشح خوشی
مضعی خوانار خوش هوا جشید ثانی خرمجه جاه **فصد** نوزده ضعیف شجید
فصد ریت سرخس تقییل گذر ذکر ذکر خنک کنج و کسر شرکت
مخز خوشید تراشیده **فصد** ریت یک روینده خم خاسرین گذار ذاکر مجشید
مفاخر فضایل شرکت کتار خوش آواز رشتاک **فصد** ریت استغناء مؤت
مراضعه معاوضه شخته النج داور کلار جت اروی هشت شاه معدت
خاناک عمر خطاب سک ترکیب مخرب **فصد** ریت آتش برک بگذار
چرخ دومین **فصد** ریت اسکاٹ ابکاٹ صنعت طوی شکر شکن **فصد** کما
فصد ریت ریح آتش سیابنا خوشیده گذارد خرمجهان شهریار دهر
فصد ریت سوزین فیض الی فضولی ذاکره ذکر موفی کستور عضوک

ناخوش خاموشی **هصد و پنجاه هفت** بزبون تخت اوراشق خلق اصفا هات
خوشی **هصد و پنجاه و نه** ضای ازلی رقم شاه سحر خط زنگ شهر بر قد **هصد**
شصت فرخ ختین قیقن قوم الکازین کلم سرشت ضعیف ظلم مترک
کتی کیر خشود خشودن بخودن نذیر مکر کدرم **هصد و شصت و یک** خشیان
شیخان ظلال کاظم حفظا مشارکت جهابختی بخشنده **هصد و شصت و دو** استرا
اشناس اطلاع خشوانه افتیاض خان شاه **هصد و شصت و سه** و شراب خوشقان
قربه ضوفا خسرورین شه زاده والا **هصد و شصت و چهار** استبشار هفت
هصد و شصت و پنج احتیجان خضر سرشته ضعیفه بصطرحون لوالضوی
کرم شب تاب کلزای هفت **هصد و شصت و شش** استوشاد استقادت مذاکره مذکور
شهناش تاجار ظل الله طول **هصد و شصت و هفت** از دیون خواجه قنبر **هصد و شصت و هشت**
هصد و شصت و نهم شجین خشنید آهنوخوش آذربایجان اردیبهشت
هصد و شصت و ده قد جلاله لکاشی قنبر هفت برین جریغ نیکون شجوان
خسرو مانه **هصد و هفتاد** منقح خنطی کقط عدد ذریع ظلم مفاظ طلیل
خترخ خوشنواز شاه جشید و **هصد و هفتاد و یک** مظال ظلم ظالم اظلم عددا
عددا

عددا ذراع ذراع شمال شمال تامل تاملات انکتی خاصع و خشیته خدای هر دو عالم
پذیرنده **هصد و هفتاد و دو** بعثت بخشاینده امتثال آذربین ارتعاش خزانام
خزایام بنای و هند **هصد و هفتاد و سه** جسط مال بخت خسرورین **هصد و هفتاد و چهار**
هفتاد و پنج استباج ظلمه مظله خراطیم ذیل بمقعد بدسکال بچیل دورخ مادر اول
هصد و هفتاد و شش و غلط ظلم و قناعه خشیع فضل الله **هصد و هفتاد و هفت**
ذراع نواضع واعظ سیاوش آذرکون خشیانوند خوش حساب واعظ **هصد و هفتاد و هشت**
حت هفتم عشرت آباد سواپینه شاهنشاه رنداست **هصد و هفتاد و نه** **هصد و هشتاد**
خوش آب آمو بادشاه هفتاد و یک **هصد و هشتاد و دو** خط خدیو صر قرش خشیع ذریع سر
عزیزت خشیع عذری بخرضیف تمبیل خسرورین **هصد و هشتاد و سه** خفاش خشیع
هم آلود کیشخان شرافت اکثری صرلای المستقیم ظاف **هصد و هشتاد و چهار**
سایر خوش اشرف افراش ازرات استعانت **هصد و هشتاد و پنج** تقصیته
حفظ بقرات بنت الملبت خسرورین پناه **هصد و هشتاد و شش** ملاحظه مخراتش
جیعاظ ملحوظ آصف برحیا شاخ کوزن **هصد و هشتاد و هفت** هر هفت در هفت

فرشته در بیه آذربایجان **هصد و هشتاد و شش** فرشته طوف فرط حتم آورده رسول ^{تقلین}
 بخشد که **هصد و هشتاد و هفت** ذولاف افزاشه فراطی خوش طبع شاه عرس ^{مک}
هصد و هشتاد و هشت حفظ مستفیع بفرشته شربت لیم **هصد و هشتاد و نه**
 حافظ حافظ حافظ دارا در پیل بلبل سخن خوان **هصد و نود** شوخیدک
 ذریف شریف فیض نظم تصیف شخص شطرات مضعف منتشر ننگ مشک
هصد و نود و یک نظام ناظم شاحی سخاکیش مضاعف بیت العنکبوت عکا
 اشع طاع **هصد و نود و دو** استقامت استخاس استقال ساحر کذاب **هصد و**
نود و سه حفظه ام الفضایل قوت لایوت اناب طلعت **هصد و نود و چهار**
 انیس اعضا حافظه بخشدک **هصد و نود و پنج** آشی آفریز فرشته شاه دار کستر
هصد و نود و شش ظل الله منظوم شعور عشرتگاه عباس هبار خان ^{مذهب} مرید
 خلد بین **هصد و نود و هفت** سنگین حوار قویای قلم وظایف نومیقات ^{الکرام}
 خوش طبعی قارخانه **هصد و نود و هشت** حیض ماه محنت شهر بار کاما **هصد و**
نود و نه رفیع الهجات شافع محشر رسول هدای جلیم جمید اسکندر ^{دشمن} بقار
 نظرت **هصد و نود و یک** قوت ذوق ضری تبحر فرشت نظیم انضمام ^{الطیبات} قاصی
 تبیین

فائزین **یکم** و طیفه تراش درشایش رضا ارض صارا احت خاشا شاد مستشار
 خوش دامن **یکم** و **دو** محبت عب ضرب اثاث محبت تربت تربت تارتا
 استقامت مستبشر **یکم** و **دو** صبحی باغ غاب بشارت عبا بر ارض **یکم** و **دو** ^{سما}
 اراضی وقت دوع **یکم** و **دو** اجراضی صفر هر ض استیاذ دواع دفاعا انشاج
یکم و **دو** درض صنور آهت آخته آخته غو حوت مکظوم قوتی بدغ
 دفع هتاش ذوق افضل الدین **یکم** و **دو** غایب دباغ غر روض غیب
 بخته حوات اجوت قوتی قرا قوتی وفا جند بوع حنوع عالم **یکم** و **دو** ^{هشت}
 غیبا حنوع هر ض وضع غاز دواع عزرا اذغ ادغاب بدبخت اجماع شنیجه
 قدر قدرت سفیع محشر **یکم** و **دو** بکوة و شیا رضا حصار حراض صرا حاضر صراح
 عوج آفاق عطف غریب خاردار حشاش اهباع ضرب **یکم** و **دو** ^{مظلم} صری بیض
 مرتضی مشرع جریغ دوع غدر رضی تیغ بی عظم اراضی احصار عطا
 بارغ لفظ ضراط خار طهر **یکم** و **دو** ^{بازوه} مستاعر معاشرت فرخ لغاهوخت باغنه
 ریاضی راضیه عظام اعظم آخته روضه همت کوشر بلیغ بقدر **یکم** و **دو** ^{وین}
 ایقظ ایام غیب بی تربیت تبیین تربیت حنیب اراضی اعظم الفاظ استفا

نواضع غاوبین سعادت خوات سولج سرچاره سکوات موفت **هزار و هشتاد و هشت**
سنوب اوستاخ سپوخت حزبت مجسته نغیان دغونبه **هزار و هشتاد و نهم** و ننگه
بجورک تسخط بلبل جنش دزمنه **هزار و هشتاد و نهم** داغینه مستغ غلیل استراحت عتد
کبخت طغیان محتل عرض صرع تسیر عرض عتوت مثلث اسفده سبغ
هزار و هشتاد و نهم ضابع عارض غلام محنال طاعیان عثاشت سوخته ایزغ
کاخ هورخت **هزار و هشتاد و نهم** صلیغ بلغم حواسه اعراض اراض ارضاع
استنقاق باغ سبب شهر شروان شیوناد دوران شت و سوش **هزار و هشتاد و نهم**
صایغ غزغزی علیج علیج **هزار و هشتاد و نهم** شمر بنشاور عدنگ مغلج صرعد چشمه
هزار و هشتاد و نهم عرینه عرینه جامه عرکه کدراحت عذابین حداد
هزار و هشتاد و نهم تمسیح عرض هورک معول عشوت نغورک مظلومین ارض
هزار و هشتاد و نهم باخرابت نغورک موسی کاظم هلاک بغدادی **هزار و هشتاد و نهم**
مبالند مغلوب عیبه الله شراعت کعبه بنیاد هفت کسور **هزار و هشتاد و نهم**
ان الله علیجین عرط عظم نظایر کبخته ناظم حال کبابخانه **هزار و هشتاد و نهم**
جامعول عت فغ نغورک رضی رضی خت خت تخن صریح رضیع عربی مضمرا
هزار

هزار و هشتاد و یک خفتان خاف مضار غام هزار خندان اکبخت کستاخ **هزار**
هشتاد و دو رسول خداوند سبحان فخر عالمیان اراض **هزار و هشتاد و سه**
بستان شیرین علیج علیج مغلوبه عرک کورک **هزار و هشتاد و چهار** مدغم
حدایعت مقلطه **هزار و هشتاد و پنج** عرط مغلوبه عرینه عرینه رصبعه زبیده
خصمه **هزار و هشتاد و شش** حنوت حنوت فاحه تخن تخنور بلغند لغول فرقت
فرورد نظام الدین **هزار و هشتاد و هفت** فراخو تخافو نلاوتون روافض اهل بدشتان
هزار و هشتاد و هشت بلند بخت رعیت پور حصیبت عشو **هزار و هشتاد و نه** عالیق
زبعل تخلف حالات باطله شراب فرودش **هزار و نود** تخیف عتم نعم تخن عطا
عسل غلس غلطان **هزار و نود و یک** غلیان ثلاثین معان لغام بلغنده لغوله
متناخ مخانت فرایق راضیه عتال تلحکام **هزار و نود و دو** استخاد اصفا صبح
عصب العونه اعنام اصاحت **هزار و نود و سه** بلغونه صباغ غاصب نخل تاز
محمد رضا خت شتم رحمت کوربار شموس اولاتی امام اعظم محمد فداد **هزار و نود و چهار**
نور حکا تخدیب صغ اصباغ فراخ روز هفت خط **هزار و نود و پنج** خسه لغه
فریضه صداغ مغز ادم **هزار و نود و شش** صوغ عوض عسول استخاد تخویف

اصداغ عرضگاه دامغان مغانه غزلبین غنورک خلدونیک **هزار و نود و هفت** صول
مویان غلیوان علیقین صولغ عواض اموضق خواهر کابنات تصورات قره بخت
هزار و نود و هشت معبول ببول **هزار و نود و نهم** غمده مغنده آخور سالار اسپول
هزار و نود صلاحیت شعل صیغ معنی مستر غنیم عین تفتو قرین رضی خرش
خلعت لغن تخمین **هزار و نود و یک** ذات تاثر صیران خلعت فکاک خارش خراش
شاخ خاصیت **هزار و نود و دو** عول بیابان خبث عبق پرض غلبین هفت دروخ
کشور هندوستان **هزار و نود و سه** بخاش برشا مهاوردان غلطیدن **هزار و نود و چهار**
ختم انبیا صدغ نقد اجنات عمق بخارایی **هزار و نود و پنج** ادرخش ظهر دلسوخته
هزار و نود و شش حوت ظاهر اظهار ثروت خروش خروش حوش قروض مغول
غورس **هزار و نود و هفت** اسموع تصورات حنوصیات باغ فدک کلن بخت
هزار و نود و هشت عنوق شتهات ارض و سما کوشاره عریش عرینه کل **هزار و نود و نهم**
آبشور کلغنده آفتی پرور باغ سینو **هزار و نود و دو** خرش تخلیع غلف تخن
تخلف غنودن مرضع تخن غلامان کزیا ولماک فیما **هزار و نود و یازده** اهداد
لا تخن تخنات حاستن حاستیم دشوار تاثر ظهور غافل غلاف
نص

مراضه خلانت شهرات **هزار و نود و دو** و ناسد خرد اجناد اهلان رشور عول
خبث نظام الملك بخاش **هزار و نود و سه** و سیر شاه خاور دوجن شتاب علیج
هزار و نود و چهار و ادرخش حقی استعان دغفل تدبیر خنجرات سنجان استخاب
هزار و نود و یازده فورا عظما ظهیر شیوخا کلغونده بزغمه ظهیر **هزار و نود و**
نارزه غنوس عقول معارضه مع بچکان زند کانی میگردم باصفت بسیار **هزار و**
صد و هفده ظلام للعبید تذهیب تذهیب غزین امیرضو الا الی الله بصیر
ام الدماغ **هزار و نود و هجده** و الارض و اهلها یوم التکلیت تخنبت استخوان
سپوختن تشبهات ذوالفقار **هزار و نود و نوزده** ساقی کوشی و یلی و بی الله برانده
مفرط ذرا رج رضایحق محتم کاشی کفته خوب قابل ارواح **هزار و نود و بیست**
مکه مغله روضه مدینه خلعت تخن کزت نکتر غلبین تخن خورشید
خورشید حرکت **هزار و نود و بیست و یک** حنات نکاش تخامت مخانت خارکش صالح
غلام خستونه سخن شناس خیرسان **هزار و نود و بیست و دو** غلامان مرالد
غنیجید حنوتانه نغاسته حبالغام **هزار و نود و بیست و سه** مهراهم شهر پاری حلال
هزار و نود و بیست و چهار خوزستان سیزدخت شهر تبریز حزب معشوق **هزار و نود و**

فیادبق زینور سرخ عقیده رهگذار هزارصد و بیست و هفت ^{هفت} معلوم معزم حرکت
خلیبش ترش روی هزارصد و بیست و هفت ^{هفت} سخن که بخشش شکر کوبه راهگذار هزار
صد و بیست و هفت ^{هفت} تم ذوق تندی کتاب منه غم انگیز هزارصد و بیست و هفت ^{هفت} شکر خواب
هزارصد و سی ^{سی} خلقت خلایق معزم تقیم محضه تحت تحت محض تلخیص
لذت ذلت معسل والسفح والوتر صمغ هزارصد و سی ^{سی} مزیلان غلامین لذت
نعمان عارضین صنوق الفس فحات خفتان نفاع صامغ خاکشیر هزارصد و سی
دو افتکان تبدل انعام اغلاق اخضام تکذیب فاصحیانه دارم جاغین
مذهب شیعه نظام عالم هزارصد و سی ^{سی} استعارات کوه بخش خاللب دوست
شکرتورز بالذت هزارصد و سی ^{سی} و جیبا ارضیخت هجران جنات جاردان خانه
ابتداله هزارصد و سی ^{سی} و پنج حزننا صفتان ارض اسعد بالذات اجتهال هزارصد
سی و شش صومغ غوی ضیوعت نخر سلطین زین هزارصد و سی ^{سی} و هفت وسع العرش
ماد رمضان عزانگنده شهرت هزارصد و سی ^{سی} و هشت هزلت غم انگیزی انجمنه
هزارصد و سی ^{سی} و نه عروس چرخ ملاخص فاعبر یا اولو البصار جعل ایته شواه
خال شیراز هزارصد و سی ^{سی} و بل غمی خلیق تخمین عین تصحیح شریف شویین خانه آفتاب
بکش

علیت علیت هزارصد و سی ^{سی} و یک مقراض ملائق مناش حرامش شترخ حرامش
شعانت خلیقه هزارصد و سی ^{سی} و دو احضان استخفا بتدبیل همت خوان بظنات
هزارصد و سی ^{سی} و سه منابرت عم زمانه عم شراب بوستانه خلد هزارصد و سی ^{سی} و چهار
عذاب السعیر انبساط یتکلن مستند دولت عبث عبث هزارصد و سی ^{سی} و پنج مظهر شهرت
مظهر خاندان جم شیم هزارصد و سی ^{سی} و شش اقباب پرست شهرت مجازبت مظهر
مقروض حرم شاه خموش محرومیت بختیون هزارصد و سی ^{سی} و هفت اشرفی مظهر
ذوالقرنین مشهور بالمیان هزارصد و سی ^{سی} و هشت سسم العیب قسط غلا حرمت فرشته
غذایب خیر شاهک خروای بصره هزارصد و سی ^{سی} و نه محارقت بصیرت کابینات
مثالها ان آذر بهرام منوچهر شست کله هزارصد و سی ^{سی} و ده نظر مختلف تمثیل سخن
خت مجازات تذل غنم هزارصد و سی ^{سی} و یازده جماع ناظر رشتان شغار
خنا مخالفت سفندان هزارصد و سی ^{سی} و بیست انقراض انظار انجان انقاس غیب
تعارفات مخالفات ولا یتکون الله هدینا هزارصد و سی ^{سی} و بیست و یک عروس خاری شاه
ذی الاوتار تجذیم برشتان موش خازن هزارصد و سی ^{سی} و بیست و دو غنم غنم
هزارصد و سی ^{سی} و پنج درختان دالی سلیمان حشمت هزارصد و سی ^{سی} و بیست و سه نوزیم نشور

فرضوی رحمت و صفتها رسکای داین محبت خاندان هزارصد و سی ^{سی} و بیست و چهار ^{هفت} ناظر
خوشان موثقا صوامین خدایار شاه هزارصد و سی ^{سی} و بیست و پنج ^{هفت} و بیست و شش ^{هفت} و بیست و هفت ^{هفت}
هزارصد و سی ^{سی} و نه رخشده روان بخش خلد هفتم امام موسی کاظم هلاک الحدیث
شاعر کتب سیج کتبیه انبوه هزارصد و سی ^{سی} و شصت ^{هفت} تظلم متخلص تخمین فرخ
خازنم شاه شرع شریف هزارصد و سی ^{سی} و شصت و یک ^{هفت} غاسق غناق مخالفت تقریبات
مکارت هفت کشور هزارصد و سی ^{سی} و شصت و دو ^{هفت} تذبذب ساحار سرچین
تدبیب خراص بومیه هزارصد و سی ^{سی} و شصت و سه ^{هفت} و رخشده نقد الاسلام آدکشته شد
در وقت کوب بلا هزارصد و سی ^{سی} و شصت و چهار ^{هفت} و منشی التما بالفعال کتفی دشمن صنایع چشم
خدایار شهاب هزارصد و سی ^{سی} و شصت و پنج ^{هفت} و عظیم استجابت نظرم سر رشته هزارصد
شصت و شش ^{هفت} عشوق الصبر مضاع الفرج ارض اقدس لعلم تکون آتش نایب
هزارصد و سی ^{سی} و شصت و هفت ^{هفت} باغ نداس ذات الله علوم ریاضیه تدبیب و زیور ناو خلا
شربت دینار هزارصد و سی ^{سی} و شصت و هشت ^{هفت} و انال محافظون آتش بسته خیلوک و بیست
هزارصد و سی ^{سی} و شصت و نه ^{هفت} و بیست و نه خلق هجرین بشر عدو و اتصال یومئذین المر
هزارصد و سی ^{سی} و شصت و ده ^{هفت} اذربین نخستین تخفیف معلق عشرت خیر الامور اوسطها
هزارصد

هزارصد و سی ^{سی} و یک مخالفت مخاصمت شرفات معلق معارضین فضل و هنر
هزارصد و سی ^{سی} و دو استخاف اذاعت استخلاف مستدل جبین اخضام
هزارصد و سی ^{سی} و سه باک نظر خن ریش شهر شوال الکرم بلغ العلی هزار
صد و سی ^{سی} و چهار هفت در هفت قضای ربانی شهر استر اباد جرح میانک
هزارصد و سی ^{سی} و پنج نلذذ خلقت آدم هزارصد و سی ^{سی} و شصت و شش ^{هفت} و شصت و هفت ^{هفت} و شصت و هشت ^{هفت}
خوشه لاده هزارصد و سی ^{سی} و شصت و نهم ^{هفت} فالرمی مخلوقات طاعت خالص قوم ظالمین
هزارصد و سی ^{سی} و شصت و ده ^{هفت} عذوبت ثلث لیاال سونیا شعر جزب صفت خوب هزارصد
هفتاد و نه ^{هفت} خسته مکان حرب صفات خراب شومین هزارصد و سی ^{سی} و شصت و یازده ^{هفت} و شصت و بیست ^{هفت}
ظرف نظرم مذمت ثابت و ستر هزارصد و سی ^{سی} و شصت و بیست و یک ^{هفت} حضاوت مظهره خشک
تدمید فرجاش نیک ذات غلامیله هزارصد و سی ^{سی} و شصت و بیست و دو ^{هفت} و شصت و بیست و سه ^{هفت}
تدبیب اخضام شیخ داود خواه جن و بشر هزارصد و سی ^{سی} و شصت و بیست و چهار ^{هفت} و شصت و بیست و پنج ^{هفت}
هزارصد و سی ^{سی} و شصت و بیست و شش ^{هفت} عالم العیب سمیع صفات اقباب حکمت و شکر
هزارصد و سی ^{سی} و بیست و هفت ^{هفت} هفت فرشته ام الحیارت صلات دستگاه هزارصد
هشتاد و شش ^{هفت} ظرف تعویذ شفقت شاه هو الفز العظیم هزارصد و سی ^{سی} و بیست و هشت ^{هفت}

سلطان محمد فتحعلی شاه آقان کوز
۱۲۱۷
درای مهربانی هم آیین بی نشان
۱۲۱۷
جمشید روز کار که از حکم وی شده
۱۲۱۷
سلطان جمشید از مشیروان سیر
۱۲۱۷
شاه زمین خدای زمان آن کز بود
۱۲۱۷
نور ملوک و زین جهان آنکه دیده را
۱۲۱۷
از حکم او بیست یک جهان ستور
۱۲۱۷
از زمین افتاد تر از لیم جمیل
۱۲۱۷
عقل و مقال او شده بیست نای چون
۱۲۱۷
روشن مظهری بودی آمد شکوه جاه
۱۲۱۷
آمد صفای حکمت وی عسای عدل
۱۲۱۷
بنیاد شد ز عا طفت او مقام حق
۱۲۱۷
شدن اعطای شاه بقیم مدرسی بنا
۱۲۱۷
بازیب مدرسی و ز هر چه صبح و
۱۲۱۷

بفرود زینت و زینت دفتر همسای علم
۱۲۱۷
کزای وی گرفته بلندای هوای علم
۱۲۱۷
تا بر ملک بلند هر جا لوی علم
۱۲۱۷
کز حسن و عدل اوست شکوه نای علم
۱۲۱۷
قدر و کمال و زینت و اوج و صفای علم
۱۲۱۷
اهسان فرخ طرب چون دلگشای علم
۱۲۱۷
از امر وی بیست یک و درون نای علم
۱۲۱۷
از عدل او فرود نرفیست سبب علم
۱۲۱۷
عدل و کمال او شده ز نهت فرای علم
۱۲۱۷
تا بان بچهرای وی آمد نقای علم
۱۲۱۷
آمد نقای مرحمت وی زوای علم
۱۲۱۷
آباد شد ز مرحمت او بنیای علم
۱۲۱۷
کز وی رسید بر همه کیتی زوای علم
۱۲۱۷
آید درون بجز حنت صلا ی علم
۱۲۱۷
آنکوز

آنکوز دران ز علم بگوش آید ش صدا
۱۲۱۷
درار مکن بود بعبادت فیتنه عقل
۱۲۱۷
چون زینت و زینت و زینت و زینت
۱۲۱۷
ناطق صفار حسن با این قطعه داد کفت
۱۲۱۷
هر مصرعی از این بی اتمام او که
۱۲۱۷
با این صفاد و شعرینا رد کند بیان
۱۲۱۷
بیزروردانشند بر لطف و نطق من
۱۲۱۷
با دابقای دولت آقبال شه بدهر
۱۲۱۷
در عهد پادشاه جم آقبال جم نشان
۱۲۱۷
سلطان محمد فتحعلی شاه آن کوز
۱۲۱۷
با داروی بیحیانت بهام ستون دین
۱۲۱۷
لطف جهان و زین زمان میر با شفیع
۱۲۱۷
مختر زمان و حیدر زمان زنده مهان
۱۲۱۷

بر گوشه شمارسد از وی صلا ی علم
۱۲۱۷
در اوقرتین بود با حاجت دعا ی علم
۱۲۱۷
کرد نه جادوان چو با محنت حاجت علم
۱۲۱۷
بر پای شد ز لطف شه دین بنای علم
۱۲۱۷
هر بیت آن چه علم درون از نقای علم
۱۲۱۷
هر کس که از بیان شودش از دعا ی علم
۱۲۱۷
دانشوران واقف و زور از دعا ی علم
۱۲۱۷
تا با علم و مددک علم و بقای علم
۱۲۱۷
کز وی بلند آمده کاخ و سیرای علم
۱۲۱۷
کردید استوار و ستیزه بنای علم
۱۲۱۷
با عدل وی بیست یکیتی لوی علم
۱۲۱۷
کز وی گرفته بلندای هوای علم
۱۲۱۷
کز لهر مرزاوست بدین بی عای علم
۱۲۱۷

برجیس و تبرجای در او کز دیده اند
 ۱۲۱۷
 شده در زمین زبیری او مدبر پی بنا
 ۱۲۱۷
 آن کز برای علم مکن شده در آن زمین
 ۱۲۱۷
 چون زبجبت و ازین تعلیم اهل این
 ۱۲۱۷
 ناطق ز کلمه زبیرین قطعه را در وقت
 ۱۲۱۷
 هر مصرعی رساله بنا شده ایمان
 ۱۲۱۷
 با دایه بقای دولت این شاه و بن زرت
 ۱۲۱۷
هر روز در وقت و سجده محبت خاندان نبی
 ۱۲۱۷
 آفتاب کیتی افزون تخم قصیده بجهت زرانند و کند معصومه این قصیده
 ۱۲۱۷
 ستمای قصیده معجزه است نسیم الله الرحمن الرحیم باسمه موجودیم شصت و نود
 ۱۲۱۷
بکصد و بیست و چهار مصراع
 ۲۱۹
 با پاک که هر بیت پوز زبور آمده
 ۱۲۱۸
 یا که کبایت سعد و منور بر آمده
 ۱۲۱۸
 یا نوحی که بر هر اشیا در آمده
 ۱۲۱۸
 انبیرا

این بده را چو کما ارتفاع آن که
 ۱۲۱۸
 وین تبه رات جای مجا و کما به اش
 ۱۲۱۸
 وین تبه و نبع با نثار سلطه قدر
 ۱۲۱۸
 وین تبه و نبع ز زمین رفعت و جلالت
 ۱۲۱۸
 وین سخن به ز سخن جنانت لهر آنک
 ۱۲۱۸
 از دل سؤل کوم و کهنتم مرا بگو
 ۱۲۱۸
 دل در جواب گفت که اینک در این سؤل
 ۱۲۱۸
 هفت بود سخن و علو از جان در آن
 ۱۲۱۸
 زهر انفاق ناطق بقت موسی آنک
 ۱۲۱۸
 معصومه که در ره ایوان اقتدش
 ۱۲۱۸
 شمراده که هر دو سر جانش از عصا
 ۱۲۱۸
 سخن و مده مکنه آن سخن اوج دین
 ۱۲۱۸
 حد آمده در سر حق و حده اش قبول
 ۱۲۱۸
 یک خدای بی شرف کل کاینات
 ۱۲۱۸

صد بملک بختیم ملک احقر آمده
 ۱۲۱۸
 از اوج ماه و صحر و رطل بر آور آمده
 ۱۲۱۸
 کز قدر با سپهر برین همسر آمده
 ۱۲۱۸
 عشقی بد هر باطلکی دیگر آمده
 ۱۲۱۸
 آتش به از بقا و به از کز تر آمده
 ۱۲۱۸
 کین سخن از چه روز جان لهر آمده
 ۱۲۱۸
 عقل طویل تا صحر خصم افسر آمده
 ۱۲۱۸
 مسکنی که بخت موسی بن جعفر آمده
 ۱۲۱۸
 بروی شرف ز ناطقه و حیدر آمده
 ۱۲۱۸
 از قدر صدق حور و بری جا کز آمده
 ۱۲۱۸
 با طالبان مذهب حق یاور آمده
 ۱۲۱۸
 کفاه و صحر رای نکوش اوز آمده
 ۱۲۱۸
 با این عصمت از پیر و ماور آمده
 ۱۲۱۸
 کز خود حق و رحمت سل محقر آمده
 ۱۲۱۸

از اوج ماه و صحر و رطل بر آور آمده
 ۱۲۱۸
 کز قدر با سپهر برین همسر آمده
 ۱۲۱۸
 عشقی بد هر باطلکی دیگر آمده
 ۱۲۱۸
 آتش به از بقا و به از کز تر آمده
 ۱۲۱۸
 کین سخن از چه روز جان لهر آمده
 ۱۲۱۸
 عقل طویل تا صحر خصم افسر آمده
 ۱۲۱۸
 مسکنی که بخت موسی بن جعفر آمده
 ۱۲۱۸
 بروی شرف ز ناطقه و حیدر آمده
 ۱۲۱۸
 از قدر صدق حور و بری جا کز آمده
 ۱۲۱۸
 با طالبان مذهب حق یاور آمده
 ۱۲۱۸
 کفاه و صحر رای نکوش اوز آمده
 ۱۲۱۸
 با این عصمت از پیر و ماور آمده
 ۱۲۱۸
 کز خود حق و رحمت سل محقر آمده
 ۱۲۱۸

یک جد او صیقلی که در سسختا
 ۱۲۱۸
 جد و کز علی حسین است کز کرام
 ۱۲۱۸
 باشد طبع برار و ای آنکه نور ماه
 ۱۲۱۸
 موسی کاظم آمده باب و دروزان
 ۱۲۱۸
 نه به زنده امیر جهان طریکی
 ۱۲۱۸
 بر سلیمان و محمد و هم کرده رهبری
 ۱۲۱۸
 روی جهان ز در که او با نثار
 ۱۲۱۸
 روی امید جمله عالم با این در است
 ۱۲۱۸
 فوج ملک ز شوق دمام کسوده
 ۱۲۱۸
 یکجا ز جها کوی ز ایران اوست
 ۱۲۱۸
 کردم بد لخطاب که این تهنه چین
 ۱۲۱۸
 کفای بجز آن و سلطان محقر آن
 ۱۲۱۸
 سلطان محمد محقری شاه آن کز او
 ۱۲۱۸

در روز جنگ صفدر و نام آور آمده
 ۱۲۱۸
 مولای مامیان و شه حشر آمده
 ۱۲۱۸
 دین داور و رحیم صلح و رهی پرور
 ۱۲۱۸
 عکسی ز نور اوست بدینی بر آمده
 ۱۲۱۸
 احسان و عدل وجود و سسختا بپر آمده
 ۱۲۱۸
 نه مثل حد عالی آن صفدر آمده
 ۱۲۱۸
 بر زارین بخود و کرم رهبر آمده
 ۱۲۱۸
 ثبت نلک سجده او جنب آورده
 ۱۲۱۸
 حاجت هر آنچه بوده از این در بر آمده
 ۱۲۱۸
 و ز عرش بر زمین پی بیکدیگر آمده
 ۱۲۱۸
 یکجا ز لهر خاوی این در آمده
 ۱۲۱۸
 قدر از که یافت از که زبیر و فر آمده
 ۱۲۱۸
 کفای لطف محقری باور آمده
 ۱۲۱۸
 بیستان ملک و کلین جا ز بر آمده
 ۱۲۱۸

آن باد شاه کز اثر عدل و داد او
 ۱۲۱۸
 آن خسرو زمین که با وج قدوم او
 ۱۲۱۸
 کشور کنای عالم و زمین ملوک آن
 ۱۲۱۸
 فرما ندی که نوزد کین بنده سرانش
 ۱۲۱۸
 عبد و مطیع و بنده و فرما بنش زجا
 ۱۲۱۸
 خاقان برای بندگی او ز ملک چین
 ۱۲۱۸
 از لهر بود بر در بار عدل و رحیمی
 ۱۲۱۸
 وی را هزار بنده بود کز شکره و شاک
 ۱۲۱۸
 هم آن بد او را آن ز سسختا آمده کفین
 ۱۲۱۸
 تا امن شاه آمده دار املک و دین
 ۱۲۱۸
 تبه و جلوس و عوض با ز جوی شده
 ۱۲۱۸
 از عالمش بیرون صف میدان حو کاه
 ۱۲۱۸
 ریح و حسام آن شه دوران کاه و رب
 ۱۲۱۸
 انجمن سپاه ماه رکاب و ملک حیا م
 ۱۲۱۸

شهباز و بک هم برو هم شهباز آمده
 ۱۲۱۸
 او نلک و ملک را بطلک سر بر آمده
 ۱۲۱۸
 کز او کمال و قدر لهر کشور آمده
 ۱۲۱۸
 هر شاه بوده بنده فرما بنور آمده
 ۱۲۱۸
 کسری و رای و سسختا اسکندر آمده
 ۱۲۱۸
 از طرف روم ز ایران و قیصر آمده
 ۱۲۱۸
 نوشیروان ز جود روان از سر آمده
 ۱۲۱۸
 هر بنده صد ملک شده و صد سسختا آمده
 ۱۲۱۸
 هم آن سب و روان ز عطاس و بر آمده
 ۱۲۱۸
 تا عدل شاه صاحب دهم و بر آمده
 ۱۲۱۸
 آهو ایس و حار سرش بر آمده
 ۱۲۱۸
 از انجمن خسرون سپید و لشکر آمده
 ۱۲۱۸
 بیضا بختیک کاه و کاه از آور آمده
 ۱۲۱۸
 مهر ز برای شاه همی افسر آمده
 ۱۲۱۸

آن باد شاه

شهر بر بوم و مجلس و میدان و بطور و
از هر دو بزم و بی آمده صیفا
هر روز هر جا که آن داور زمین
در بجز خود و برج عطا طعم و بید قش
دوران مجال و مجلس بی را چون گفت
نه به زوی بزین فلک بوده است
این بده زین شده و لا تبارید
چون قبه عین و زین بزرگ او در کت
کهنم ز خود شاه نعام قصیده
کردم زین آله این قصیده را
ایات این قصیده هر یک یک باب
هر مصرعی از این جو یک جور لا در
مصرع ای قصیده با تمامی بسا
ناطق بخورده که برات طبع و عقل

ن اوصاف هربک از کوی سته آمده
از کین و بخلق عدد و خنجر آمده
خنگ فلک ز طوع بزین زر آمده
آن آمد است لک و آن محور آمده
مهری ز اوج خود سوی خاور آمده
نه مثل ابروی زمین داور آمده
کز بر و قدر داور بجز و بر آمده
این قبه قدر و زینت و اوج ز آمده
کون دهان فکری بر آتش آمده
کز عین آن بدین من جوهر آمده
مانند حسن روی بیتک دلبر آمده
هر بیت آن درواه بری بیکر آمده
هر یک عیان جو ماه با این دفتر آمده
بیدار عای شاه عطا کسرت آمده
نالم

تا اسم بزکی آمده و لاله در زبان
چهره بای شده روی عدوی شاه
بحر الطاف و جهان خود امان الله خان
انکه باشد همی چه در دهر از طبع
در زمین انعم او با دینم بدو و ب
سایه لطف خدای منیع اعطای حسن
کرد از الطاف و سخا آن ولی و لا تبار
آن که بترشد از آب جان و زین سبب
قصه کونده چون بنای بلند از و آله
قطعه آورده ناطق از زلال طبع و کت
هر یکی مصرع از این قطعه برای سالک
با و تا کیتی با این و ابی دهر
هزار و دویست و نوزده شیخ و شتاب

تا نام اصغر آمده و احمر آمده
از شوق احرب ز غنا اصغر آمده
والی و لا که آن کان احسان و سخا
و انکه باشد چون پدر در عالم از عین
در زمین از خود او نشاد دور و پیش کوا
معدن حسن و عطا آن سایه لطف
در ره اسلام و راه لطف این پلایا بنا
جاودان در رسنگ باشد ز ابدان
از صفا و ز صدق هر کسی که بر وی ای
از سخای ولی و لا شده این پلایا
آن بود از ابتدا آن دگر از انشقا
دولتش جاوید و عمر و جاه باقی و بسا
چرخ مشعبه فرخنده سیر و بلخی

تقل که از آن برلق انرا جلیست
شد و قف و بتاریخ رقم زد ناطق
زهی کلید که مفتاح کنز تمکین است
جو وقت کشت بتاریخ رقم زده
هزار و دویست و نوزده تقالی ستانم تمام بقول
مستخلص کربخ فظفر جموعه فضل و علم
میرزا عبد الحمید معدن خود و شرف
انکه باشد در طاعت زبده اهل زمان
در زمین از حد طاعت مسجدی بنیاد
هر بروج مومنان طاعتک بنیاد کرد
کشت و قف وی در و انک بیکه از جام
چون ز سحر بانی و امداد در بنیاد کشت
ز در رقم ناطق کمال این بنا از فکر صدق

تقل در روضه حسین ابن علیست
تقل در کنج علم و حلم از لیلیست
کلید قفل در قصر آل یاسین است
کلید قفل در کنج علمها این است
دانه غنی علم و کده لک بجز عالمیست
زهی بانی میرزا عبد الحمید که آتانا
قد و اهل و زوت محمد ارباب عین
و انکه آمد از قوت آنج اهل زمین
کز بی طاعت شوند اصحاب دین انجا
تا که مسکن در ابواب جان با مومنین
نامدای وجه آن باد از برای خیرین
شد مقام اهل حق و شد مقام اهل دین
جاودانی مسکن بانیش خود و سیرین

هر سال این بنا هستند یک بر یک کوا
میرزا احمد جهان هم و اوصاف انکه
آصف با عقل و دانش انکه از قدر و کمال
جو وی ساعی در این مهور سرشاد از
میرزا عبد الله آن فرزند دهر را بی او
زاد از الطاف و صفای ناطق بی سالتی رقم
همیکه مصرع این قطعه چنانچه شاهد است
تقل در کنجینه اساخت ابن
شد و قف و بتاریخ رقم زد ناطق
هین کلید که مفتاح مقام آیین است
جو وقت شد بی تا اوج ز در رقم ناطق

شانزده مصرع هد زبیا و چون کوه کزین
ماه برج ملک دانش و هر درج عطا
آمد از جان بنده وی آصف بن بر حینا
جاه او باک در این عالی نباشد ابتدا
داد این مهور بنار از زینت و عین و صفا
جنبه لطف از میرزا عبد الله انکه
هر سال این بنا هستند یک بر یک کوا
یاد و قفل در روضه رضوانت این
تقل در کنج علم زبده است این
کلید قفل در روضه شده دین است
کلید کنج سعادت بیابان این است

هزار و دویست و بیست و یک ظهور علی قاضی بر حق شفیع روز عشر شکرگزار کراغ

هزار و دویست و بیست و دو تخصیص تمت القرآن خرابی بجانده استخفاف بحر الفاظ

صنایع مقدس درخت طوبا داور هفت کشور هزار و دویست و بیست و سه از کربلا این

تاز غنبله شاه خسروان از کتب غرابیب **قصیده تمام تاریخ است**

از سی شاه دهر باشد بنای علم ۱۲۲۳
 زین ملوک فتح علی شاه عادل آن ۱۲۲۳
 تا آن عالم اندک شده زاهتمام آن ۱۲۲۳
 دار اعطوفت کجاست سکندر کی ۱۲۲۳
 شاهیک بود و هفت زو فرج جلال و سی ۱۲۲۳
 جم بار که کعبت مدینه اهل علم را ۱۲۲۳
 هر بقای شاهان شاه دار کلاب ۱۲۲۳
 از زمین خشناسی آن شاه داد که ۱۲۲۳
 همچون های همت آن داور شهبان ۱۲۲۳

از وی کوفت زین بنای و سراسر علم ۱۲۲۳
 کوفت عدوی بد هر باشد رجای علم ۱۲۲۳
 لا یح رسوم ملت بر پالواری علم ۱۲۲۳
 محکم ز حکم و یار ویش بند بنای علم ۱۲۲۳
 و فرج جلال کشور دین رعلائی علم ۱۲۲۳
 سعی رعای شوکت او مدعی علم ۱۲۲۳
 هر دم رسد بسوی اجابت معای علم ۱۲۲۳
 بیگانگان دهر شدند آشنای علم ۱۲۲۳
 کسترد بال در همه جانب های علم ۱۲۲۳

از خبر جود و همتش آمد سنانه

از رسم وی نمودن ل سراسر لگو

بنیاد از امانت وی شد مقام هم

باشد بیاز مرحمت وی بساط صلح

از دولتش دواج نموده های مکر

از راه مین او شده و بران وظای کفر

از حکم وی بلند بکیهان لوائی فضل

بر یاد از حجت وی شد و بای جور

زوزیب یاب شد سخن جانفرای جلال

رسم رحله لوی شده لجه خفای جم

آیین آن بختگاه کاشان بنا نهاد

بی شبه مدرسین کشتار هوای آن

شده از عطو همت آن مدرسین بیاد

تصیری سزای علم ز همت بنا نمود

این بجز بیکرانه و بی متهای علم ۱۲۲۳

از اسم وی فرود توقع سمای علم ۱۲۲۳

آباد از وساطت وی شد سراسر علم ۱۲۲۳

با سنج و کبریا مت وی ولای علم ۱۲۲۳

از همتش روح فرودده بهای علم ۱۲۲۳

از ماه حسن او شده تا بان لقای علم ۱۲۲۳

از لطف وی پیوسته بدوران نای علم ۱۲۲۳

ایجاد از مروت وی شد عطای علم ۱۲۲۳

زوشاد آب شد چمن دلگشای علم ۱۲۲۳

اسم و کمال وی شده ز همت خفای علم ۱۲۲۳

فره و سر بار مدرسه از برای علم ۱۲۲۳

ارباب علم را هم در سر هوای علم ۱۲۲۳

تا طاب لباک کشته ختمین بیای علم ۱۲۲۳

بهتر خود آن تدبیر و روان سزای علم ۱۲۲۳

۱۲۲۳

۱۲۲۳

۱۲۲۳

۱۲۲۳

۱۲۲۳

۱۲۲۳

۱۲۲۳

با عون حق خدا در ایام خلج جود ۱۲۲۳
 در آن زمین بکر علم لکه بروراه ۱۲۲۳
 بر لامکان شود ز ملکش عطای جود ۱۲۲۳
 چون بر شد بنای شاه اجاب علی ۱۲۲۳
 ناظر که ز کمال باین صفا داد و گفت ۱۲۲۳
 کفتم کمال اوم اندر جهان جلال ۱۲۲۳
 کردم مدد طلبی علی در جهان که هست ۱۲۲۳
 از لطف و از کرامت آن همای بینی ۱۲۲۳
 کفتم مدح شاه جم این قصیده ۱۲۲۳
 شعری چون بگوید از این صفا صفا ۱۲۲۳
 بی زور و افش اند بر بطن من ۱۲۲۳
 مصرع هر که ام رسال بنانانان ۱۲۲۳
 تا در میان صفت بود بابای کفر ۱۲۲۳
 باقی بود بدلت واقف الله شکر ۱۲۲۳

وزخون جود ادعای اصلای علم ۱۲۲۳
 از علم سدر روی زمین ره های علم ۱۲۲۳
 بر آسمان رود ز زمین صدای علم ۱۲۲۳
 جا انداز آن که در آن جای علم ۱۲۲۳
 شد این بنا ز شاه عیان از برای علم ۱۲۲۳
 کز هر کمال با نکت تر سوا ی علم ۱۲۲۳
 هر از حق و کعبه دین مقتدای علم ۱۲۲۳
 وز علم و وز عنایت آن پیشوای علم ۱۲۲۳
 دیدم صفا بسفیل شعر از جلای علم ۱۲۲۳
 هر کس که در صفا آید نش ادعای علم ۱۲۲۳
 داشت و آن منطبق زور از برای علم ۱۲۲۳
 ابیات هر یک که هر ی از صفا ی علم ۱۲۲۳
 تا در زمان صفت بود از برای علم ۱۲۲۳
 کوی عیاست دولت و جاه و بقای علم ۱۲۲۳

هزار و دویست و بیست و چهار اجوعظیم شفیع روز نیات توضیح تخمین حیات تازه

شخصت فرمودید هزار و دویست و بیست و پنج اجوعظیم و فضیلتها بهم بالسطح التفات

خواجه نعمت در خانه شاه جهان نعمت خداوند لذت هدای هزار و دویست و بیست و شش

فریضه بجانده حوج هر روزه ابراعظیم بید ریخ که ارض در ریخ و آه ای درینجا

ذکا با عبد الله الحسین بوستان بهشت خدا کجا در شما ^{میر ناصر پیر شاهزاده جوان}

از جو روز کار خا کار بر زبان ۱۲۲۴

از جو رو کینه و زری که در کینه کیش ۱۲۲۴

رفتار جهان و ز جهان و امین ملک ۱۲۲۴

قدمات سید الوزرا صاحب الکرم ۱۲۲۴

آن نجم اوج معنی از این نجم جبروت ۱۲۲۴

از تمکنای دهر را بسا دشمن جنات ۱۲۲۴

اجاب از این مصیبت پیدای جان سکر ۱۲۲۴

اضربه و بسوز دل از دیده خون چکان ۱۲۲۴

روزیم عجا غزانت روان زده هسر ۱۲۲۴

۱۲۲۴

۱۲۲۴

از دهر بکنده و زبیر از او بر محسن ۱۲۲۴

از زور و جبهه بازی دوران نشسته ۱۲۲۴

خبر همچین رحید زمان زنده من ۱۲۲۴

قدمت قاید الکبر صاحب الممن ۱۲۲۴

اهوس و نال درنت با نجم زانجم ۱۲۲۴

روشن کشود بال از این قید و زین ۱۲۲۴

اجاب از این مملات کبرای دل شکن ۱۲۲۴

اروده حالت و هم بر بنسبه سکه ۱۲۲۴

در پیش جلد لاری و اهاب شد مشرط ۱۲۲۴

۱۲۲۴

۱۲۲۴

۱۲۲۴

۱۲۲۴

۱۲۲۴

۱۲۲۴

۱۲۲۴

هزار و دویست

سوی جان چو رفت ازین فصل فنا
 ۱۲۲۴
 ناطق که ز کلمه بدین سخن داوود گفت
 ۱۲۲۴
 ماه محرم رویدین یوم سوی جلد
 ۱۲۲۴
 هر صبحی صبا زین سال فوت او
 ۱۲۲۴
 حسینند مجازات قرین حسین
 ۱۲۲۴
فرار و عیبت و بیعت و هفت آن نیک هوشمخلاق العالم بوقت خدا مضیاع
 خدا نگاهدار شمار شرافت معصوم نسیه العجايب حواها الفاظ این بودند
 دور دارایی که زوشده جاه افزای علم
 ۱۲۲۷
 قبله اهل جهان فحعلی شاه آنکه وی
 ۱۲۲۷
 محمد دارایی که زوشده علم افزای علم
 ۱۲۲۷
 جم کنین فحعلی شاه اهدای نام آن
 ۱۲۲۷
 در زمان شاه قاجار آنکه از افاضه
 ۱۲۲۷
 آنکه رای او بود فوجان آرای عرف
 ۱۲۲۷

آنکه خلد که چو بدین عالم کس
 ۱۲۲۴
 در خطه با حسین بود منزل حسن
 ۱۲۲۴
 شد شاد با حسین علی میرزا حسن
 ۱۲۲۴
 زین صبحی یک یک بعدد میکند سخن
 ۱۲۲۴
 ماری بخلد که بنور حسن حسین
 ۱۲۲۴
 آن نیک هوشمخلاق العالم بوقت خدا مضیاع
 خدا نگاهدار شمار شرافت معصوم نسیه العجايب حواها الفاظ این بودند
 آنکه از لطفش بود هر عالمی آرای علم
 ۱۲۲۷
 میکند پیوسته اصل فم را آرای علم
 ۱۲۲۷
 آنکه شد از لطفش عالمی در آرای علم
 ۱۲۲۷
 که کسید لطف وی بکشور شد در عالم
 ۱۲۲۷
 میدهد نعمت هر چه بپند از آرای علم
 ۱۲۲۷
 و آنکه روی آن بود هر طایفه فرسای علم
 ۱۲۲۷

آنکه در پیش ازین صفا آمد جهان آرای علم
 ۱۲۲۷
 از کان عالی او نکشاند ری علم
 ۱۲۲۷
 جلوه دید از هر او در آرای علم
 ۱۲۲۷
 که در دست معطوبی در جهان آرای علم
 ۱۲۲۷
 شد بلند آواز از او شرح طبع آرای علم
 ۱۲۲۷
 نوز مجید روی در طلع زبای علم
 ۱۲۲۷
 باشد اهل علم را کس خبر سوای علم
 ۱۲۲۷
 همسان تا بان خود ز لطف او آرای علم
 ۱۲۲۷
 ازین بد در بر آرای علم ای آرای علم
 ۱۲۲۷
 منشیان با جان و با دل میکند آرای علم
 ۱۲۲۷
 از علم صورت وی آمده معنای علم
 ۱۲۲۷
 هم بود کویای بغیر هم بود جریای علم
 ۱۲۲۷
 دست در جمل دایم باز آمدی علم
 ۱۲۲۷
 این جهان بکشور از عقل و آرای علم
 ۱۲۲۷

از لب جانی غیر هم او کند ای دل لطف
 ۱۲۲۷
 در زمان این شد با عدل و دین کاوند
 ۱۲۲۷
 زین بود بیاید معنیان الله جان
 ۱۲۲۷
 زنده اول و جزیر آنکه از لطف و کمال
 ۱۲۲۷
 زار لطف عالمی اندر سندیچ
 ۱۲۲۷
 در سندیچ مسجدی که دید از سعیش
 ۱۲۲۷
 مسجدی با اصل تر از مسجد اسلام حق
 ۱۲۲۷
 آنکه سقیف عالی و امان او را بد گفت
 ۱۲۲۷
 آب صاف ز کس نیکو تر از حق و صفا
 ۱۲۲۷
 مسجدی چون دیده کثرت جای حق
 ۱۲۲۷
 جمع در هر گوشه و هر زاویه ز اهل کمال
 ۱۲۲۷
 عاقلان مدرک اندر هر جا در رهت
 ۱۲۲۷
 که در کس شیخی آموزد از او علم و ادب
 ۱۲۲۷
 با معلم آمده در کس طبعی فهم
 ۱۲۲۷

وز کف در پیش چو دش میکند ای علم
 ۱۲۲۷
 آمده زینت بکس از طرب افزای علم
 ۱۲۲۷
 آنکه صورت دید از ایمان وی معنای علم
 ۱۲۲۷
 اهل دین را میکند عجز از با تعالی علم
 ۱۲۲۷
 و آمده هر چشمه جاری چون در ریای علم
 ۱۲۲۷
 مسجدی محمدی آن جای شکر آن جای علم
 ۱۲۲۷
 مسجدی با زین تر از مسجد اقتصادی علم
 ۱۲۲۷
 شد بنا باین دین با حجت الاعلای علم
 ۱۲۲۷
 آمده هر قطره از آن یک در ریای علم
 ۱۲۲۷
 مسجدی چون سینده اصحاب سیرت با علم
 ۱۲۲۷
 جمله از زین عرفان و دانش سیدی علم
 ۱۲۲۷
 جمله چون بخون کثرت دایم لای علم
 ۱۲۲۷
 این بود صنعتان و جود آن بود ترسای علم
 ۱۲۲۷
 آن شده مجنون نام و این شده سلمای علم
 ۱۲۲۷

اندرین مدرک شده والد چو واقف اهل
 ۱۲۲۷
 بامده بی در سو کویان درین بابان در جلد
 ۱۲۲۷
 کو و در این مدرک مکان ملا سعید
 ۱۲۲۷
 جای ایمان جای عرفان جای حکمت جای عقل
 ۱۲۲۷
 آنکه در آن کج کرد از فم شد جای نفسم
 ۱۲۲۷
 سنگ نبود آنکه بر چه چیده او را استاد
 ۱۲۲۷
 آنکه میکند در آن آنکه بکسیر غنا
 ۱۲۲۷
 نداده زین بنا باین بنا با شرف دین
 ۱۲۲۷
 شد بنا و اهل علم و علم از آن واقف شدند
 ۱۲۲۷
 دار الاحاطت محتما شد که بنای از ل
 ۱۲۲۷
 با سکو از بر سالان بنا بپناه بیت
 ۱۲۲۷
 هت یک معراج او یک کوه بالای زینب
 ۱۲۲۷
 هر سال این بنای طریقه ناطق ز در رسم
 ۱۲۲۷
 تا کند مشاکی از حق و رضای عدل
 ۱۲۲۷

از هوای زین رو اب جلوه عدلی علم
 ۱۲۲۷
 مدرک است این با عقل سعید پایدی علم
 ۱۲۲۷
 تا کند با ربط اهل علم را اهدای علم
 ۱۲۲۷
 جای احسان جای قربان جای طاعت
 ۱۲۲۷
 آنکه در آن جای کرده از علم شده دانای علم
 ۱۲۲۷
 در سر هم یک یک سخن و بیت از آرای علم
 ۱۲۲۷
 میدهد هر روز و شش هفتک در آرای علم
 ۱۲۲۷
 ف نیکو تر دیده هر که دیده بنیای علم
 ۱۲۲۷
 کویا بود استادش واقف بنیای علم
 ۱۲۲۷
 کسوف تا احسان او بود در آرای علم
 ۱۲۲۷
 جلوه که آمد سخن از سخن کوه ریای علم
 ۱۲۲۷
 هت یک معراج او یک کوه بالای زینب
 ۱۲۲۷
 دار الاحسان شد بنا بر شش ما علم
 ۱۲۲۷
 عقل عادل در دل او چو حسنی علم
 ۱۲۲۷

این مصراع کاسه از عین عقده
 ۱۲۲۷
 به سال این بنا هفتک در آرای علم
 ۱۲۲۷

بادوام دارالاصان امان الله خان
۱۲۲۷

جای حمد و جای فضل و جای علم
۱۲۲۷

در زمان شاه کبودون جاه صاحب بارگاه
۱۲۲۷
بیم بین فخری شاه انکار انجاه و جلال
۱۲۲۷
در زمان شاه قاجار انکار انجاه و عدل
۱۲۲۷
چونکه فخری شاه انجانان کی بود
۱۲۲۷
آنکه دلش تصفا آمد نعیم از دل
۱۲۲۷
آنکه از بوی صواب آمد دل او شرم بجوش
۱۲۲۷
وان عطا پرورد عطا گشتی که از الطاف حق
۱۲۲۷
صاحب بود و صفای او و عدل و داد
۱۲۲۷
اسمان جاه کاند در وقت اعطای وی
۱۲۲۷
آمد از غنم از دل با لطف و عزت هم توین
۱۲۲۷
آمده او را بصورت وصف و بیانی بدید
۱۲۲۷
اسمان وی را به آن نوشین در دلان دادند
۱۲۲۷

باد شاه وقت سلطان سلاطین زمان
۱۲۲۷
و قروهای وی شاه و یا بفرقت فرندان
۱۲۲۷
دادن آیین جهان را چون هفت جاوردان
نایب دولت بدست محمدی صاحب زمان
۱۲۲۷
آنکه طبعش در عطا آمد فرخ افزای جان
۱۲۲۷
و آنکه از لطف کرم آمد کن وی رشک گان
۱۲۲۷
باستان اعطای بی پای آن کن وی زرفشان
۱۲۲۷
ناب سود عطا و فرقه عقل و عزت نشان
۱۲۲۷
از محبت و در زمین آید عطار در آسمان
۱۲۲۷
آمد از حسن عمل با هر چه در تحت هم قرآن
۱۲۲۷
آمده او را طاعت محرابی زانی عیان
۱۲۲۷
وان نگاه عدل آمد پیش از نوشین روان
۱۲۲۷
بکدر

کبک را در دو روی باز از نما آمد ربیع
۱۲۲۷
تا نام سهم او زد کام قطاع طربت
۱۲۲۷
در زمان اینچنین مشا که زمان اندر زمین
۱۲۲۷
محمد کو تا بید و آمد و وقت مستغان
۱۲۲۷
عده او را حضرت انکار انجاه و علو
۱۲۲۷
منبع جود و سخا و مالک بر و عطا
۱۲۲۷
اسمان عزت شوک و والی والا مقام
۱۲۲۷
آنکه از اعطای اله آمد هفت هم نشین
۱۲۲۷
تا ملک اردلان والی شد از زین و جلال
۱۲۲۷
چونکه باشد در عبادت هادی اهل صواب
۱۲۲۷
از برای حسن طاعت محمدی بیدار کرد
۱۲۲۷
محمدی کاند عمل او نیکو از حرم
۱۲۲۷
و هر چه سجد اهل بیت جل در آن کامیار
۱۲۲۷
وال الاصفی شدن از اصان و احکامش بنا
۱۲۲۷

کبک را در عهد لوگ انجیل آمد شبان
۱۲۲۷
میکن در دزد و در هر چا زنجیر کاروان
۱۲۲۷
بخت ایمان بعالم میدهد رو هر زمان
۱۲۲۷
شد زوالی صدر سی واقع عکس اردلان
۱۲۲۷
ناشن آمد در عطا و عدل و آیین داشت
۱۲۲۷
شاهان او حج عزت و جاه امان الله خان
۱۲۲۷
قرمان محمد و هفت عالی علی مکان
۱۲۲۷
آنکه از الطاف از دل آمد بد و ملت قلمان
۱۲۲۷
شد مستحق ملک اردلان دارالامان
۱۲۲۷
چونکه باشد در عدالت زنده که آجران
۱۲۲۷
محمدی همچون درون کعبه مشهور
۱۲۲۷
محمدی کاند صفای او فرزند از اربابان
۱۲۲۷
و هر چه سجد اهل بیت جل در آن کامیار
۱۲۲۷
تادها و امان بدو جود و حق مستغان
۱۲۲۷

ز چنین کاخ کو لطف و ز جود کلام
۱۲۲۷
با این آمده به از رخ دلبر لاله
۱۲۲۷
یافت از عین از دل زین جوان طرب مقام
۱۲۲۷
ناطق این قطعه بی سال بنا گفت ز لطف
۱۲۲۷
جانفرا آمده اینک از جود امان محرم
۱۲۲۷
چند ایام که کرده درین صغیر بد
۱۲۲۷
اگر قطعه در کفر قطع افشا کردم
۱۲۲۷
ز شهنشاه برب آمده این در لاف
۱۲۲۷
مرده در اندر کعبه ز لاف ز کرم
۱۲۲۷
زینت و نام بود تا نماند روز مکن
۱۲۲۷
هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام
۱۲۲۷
عناز حق ضحکت ذو الفقار علی **هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام**
۱۲۲۷
هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام
۱۲۲۷
لاغر ارغل آدر کیش صالت درخت طوبی ستمد بجز خیر السلب **هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام**
۱۲۲۷

چون قصر که با حسن بود چون بستان
۱۲۲۷
از صفای آمده به از خط جانان لاله
۱۲۲۷
حت از لطف محمد قدر چو این زنده
۱۲۲۷
پس از آن قطعه در مصرع دو کرم در پیا
۱۲۲۷
دلگشا آمده این قصر چو گلزار جانان
۱۲۲۷
از مصراع عدد سال بنا هست عیان
۱۲۲۷
کربا تمام و بنا هر دو کشور در زبان
۱۲۲۷
که با جلال از این قصر جانان شد حیران
۱۲۲۷
کاتب آن است ز سر خیمه ابر جوان
۱۲۲۷
این مکان با در شهنشاه مکن با در
۱۲۲۷
حسن
۱۲۲۷
عناز حق ضحکت ذو الفقار علی **هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام**
۱۲۲۷
لاغر ارغل آدر کیش صالت درخت طوبی ستمد بجز خیر السلب **هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام**
۱۲۲۷

خاتم سلیمان خنجر جبهه جاه چرخ فیروزه نام **هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام**
۱۲۲۷
شاه میان حرا کاه غریبال بلغاد **هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام**
۱۲۲۷
من لایحه نغمه **هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام**
۱۲۲۷
غزل دروغ کو آه از بجز **هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام**
۱۲۲۷
هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام
۱۲۲۷
فراخند اندر عقول طفل چو غزل محبت مقال **هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام**
۱۲۲۷
رغم غم غم تذلیق تنفید **هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام**
۱۲۲۷
مختار رضانت **هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام**
۱۲۲۷
هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام
۱۲۲۷
هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام
۱۲۲۷
مختارات هیئت **هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام**
۱۲۲۷
و سنجی بکوه و اصلیا غریبه مرزا مرزا اهتمام مضاهات **هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام**
۱۲۲۷
مرغوب آن الله خیر ما یصنعون اقبال بوج برج سلطنت **هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام**
۱۲۲۷
مضامات دغددرای شوخ چشم محبت مقام **هر از رویت و پست و در خلد با ابراهیم آسود ابراهیم مستقیم کالات خیر امام**
۱۲۲۷

خاتم سلیمان

استنهاض غزاشی متواضع معاوضت **هزار سید** انزو دوزخ خندیر خضر صفا
هزار سید نوزده فن ثقلت موازینیه فاستعد باسه تر جمع و جمع قادن شاه روز
شکر خاند سید **هزار سید** تقصیل فضیلت مغف مرغ زبانک نصیق مضفر
شظ بغداد **هزار سید** متفاخر معافرت نکاظ کوه سلطان عسکار آخوان
لطایف و ظرافت یا من اظہار الجبل مجرمضاع **هزار سید** امتضان کوه کارند
دستار خوان ولاعنو نیم اجین روغن با بونہ **هزار سید** و تفریحین عزه الو
هزار سید بیت و قاصح المذہب فارغ بابی پادشاه هفت کوزه **هزار سید**
بیت و پنج رطله فتح قلعه بلخ **هزار سید** و ما سنا من غروب مغرب مغفود
هزار سید بیت و هفت غزاشک مفارصت نقائات ظالمقد خطبه خواندن
هزار سید بیت و هفت فرخیزات راس العزل هوشید چهر واحبله بیت رصیا
شیخ الاسلام طبرک **هزار سید** بیت و هفت سیر حللہ تعلیق **هزار سید** و سی
شغل مصغر متضیق وضع الکتاب **هزار سید** و سی یکک محاصرت نقاض
نضات غفران شامل شغال **هزار سید** و سی و دو الطا و لا یسایانیا من لوب
هزار سید و سی و سه مرغ چین یوم تختی **هزار سید** و سی و چهار فرخند استیضاع
شاهزاده لفظ

شاهزاده اعظم والعماریات **هزار سید** و سی و پنج حراب شدن بقها **هزار سید** و سی و شش
شش خذول فرخند فراختن آنا با آسمان کرمیت حرم مالک الزیاب آمد
هزار سید و سی و هفت از فرخند لغزش شاه کسور عدالت شاه شوش شکار
هزار سید و سی و هشت فقور فورا علیما مجتهد سیر بفر و خن **هزار سید**
میر و نه فرخنده تلاظ **هزار سید** و سی و نهم تلخیص ناطق دفتر خانه حافظ قرآن
سجنا و قالی تلخیص **هزار سید** و سی و دهم تلاشک بعباده ربه احلا خلدناش
عاشم شعام حور و علان **هزار سید** و سی و یازده اشعاره اشعار و ان الله یظلم
هزار سید و سی و دهم جزال بشر شفیع المذہبین نخل و خن شاه کسورستان
هزار سید و سی و پنجم اشکی و الله الیه ترجعون حور شیدک رعد **هزار سید** و سی و شش
ان الله بعباده تجزیر بصیر عند الامله شاه جمع فونت **هزار سید** و سی و هفت
عنوم تحسون هفت فراس فراختن **هزار سید** و سی و هشت ماخذ منه در ملک
بیت ششم **هزار سید** و سی و نهم ذق انکلت الغریب الکریم **هزار سید** و سی و دهم
اهل لغزاته بیه لایوت بیده الخیر مواظبت عطفش واعظکاشان **هزار سید** و سی و یازده
منجیت تقف تقف مقصی غرات غافق شناخت صورت شاهه جار **هزار سید**
مناقضه صفات
مناقضه صفات

هزار سید و هفتاد ظلت تظلم سلمت نطیل تمنع آذر برین **هزار سید** و هفتاد و یک
ظلمات تظلم مسائل فلاش عظمت **هزار سید** و هفتاد و هشتاد و یک
ذوالجهد و الشا سراج الرضا العظام **هزار سید** و هفتاد و هشتاد و یک
کوه کوه منجات و غیره **هزار سید** و هفتاد و هشتاد و یک
مرکب خوش راه **هزار سید** و هفتاد و هشتاد و یک
هزار سید و هفتاد و هشتاد و هشتاد و یک
هفتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و یک
تلهنا از اربین و بنیک طمانا و کله **هزار سید** و هفتاد و هشتاد و یک
سید و هفتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و یک
خداوت عموزنده **هزار سید** و هفتاد و هشتاد و هشتاد و یک
هزار سید و هفتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و یک
نوزار بیا الله کوه **هزار سید** و هفتاد و هشتاد و هشتاد و یک
هفتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و یک
بیم از فرخند **هزار سید** و هفتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و یک

هزار سید و هفتاد و یک استیضاع استیضاع **هزار سید**
بچاه و سه باغ فرودین اختیار ملک **هزار سید** و هفتاد و یک
کلا ان الانسان لیطغ **هزار سید** و هفتاد و یک
هزار سید و هفتاد و یک شاه معظم خست شغیت نغیر **هزار سید** و هفتاد و یک
نذورات لا اکر الله العلی العظیم و انابهم فحقا قریبا خست زین استخوانه شورت
هزار سید و هفتاد و یک نادلیا مظهر العجاوب لدی احتاجی کاطین مرغ زند خوان
هزار سید و هفتاد و یک نه اشپوش **هزار سید** و هفتاد و یک
هزار سید و هفتاد و یک غشیان لخرج حیا و بناا متذکر من شتر با خلق **هزار**
سید و هفتاد و یک کانیات استغضا استنارت **هزار سید** و هفتاد و یک پادشاه حق
صنوجین علوم غریبه **هزار سید** و هفتاد و یک الامام المظفر کامل نعلی فی الطول
هزار سید و هفتاد و یک کسوار عرش برین اضعه البنی واعبد ربک حتی ابیتک البین
هزار سید و هفتاد و یک طغاناه نفور خوستن **هزار سید** و هفتاد و یک
حواجه نامشان غاریتوک حست جمع خضاله **هزار سید** و هفتاد و یک
شت و نه باد لغت بقان حسین معور شدن دار الفرج تم برهم خوردن اربا
هزار سید

حسین	بدل محمد	نفس واجب	جلوه الله	وصل محمد
۱۴۱	۱۴۸	۱۰۲	۱۱۰	۲۱۱
بدل محمد	حسین	محمد علی	علی	علی ابن ابیطالب
محمد علی	محمد علی	امین زکی	انسان	اهل الاحسان
۱۴۰	۱۲۴	۱۶۲	۱۸۷	۱۸۷
اصحاب الجنة	احسان	وجه علی	طالب الحک	صفه واجب
محمد علی و اهل حسین	احسان	ایمان	فراوردی	شال واجب
۵۱۳	۱۴۰	۲	۵۸۴	۵۸۴
صفات واجب	محمد علی	حب محمد	شال واجب	تابع علی
محمد علی و اهل حسین	جمع کمال	باب	جمال جلال	جمال جلال
۵۱۴	۲۴۴	۲۰۲	۱۳۱	۱۳۱
نورالغزیر	مکان کمال	محمد علی	وجه ال محمد	وجه ال محمد
صفات واجب	مکان کمال	مکان کمال	وجه ال محمد	وجه ال محمد
محمد علی و اهل حسین	بمکن واجب	انسان	انسان	انسان
۵۸۴	۱۵۰	۱۶۲	۱۶۲	۱۶۲
شجره الخلوه	انسان	موس کمال	ملا کمال	ملا کمال
انسان	انسان	انسان	علی	علی
نهایت کمال	باب کماله	کان کمال	میزبان	ایجاد کمال
علی	مؤمن	وجه علی	محمد	محمد
باب علی	مهمان	دل محمد	اکمال	میل واجب
۱۱۰	۱۴۴	۹۲	۹۲	۹۲
بهائی	در آداب	سید محمد اکرم	سید محمد اکرم	سید محمد اکرم
۱۹	۱۹	۲۰۵۹	۲۰۵۹	۲۰۵۹
در آداب	در آداب	در آداب	در آداب	در آداب



